کابل

کابل دیروز

کابل امروز

با فردای مبهم آن

مؤلف: پوهاند غلام جیلانی عارض

۱۳۷۷ هـ. ش

لطفاً کلمات آتی را تصحیح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦	١	راه، شد	راه رشد
٦	٥	مطالد	مطالعه
۴٦	٢١	نهظلت	نهضت
٥۴	١٦	کامل	کابل
٦۴	٢١	دستبرد	مورد دستبرد
٧٧	٧	Cetral	Central
٧٧	١۴	لاینفك	جزء لاینفك
٨٠	آخر	مرشام	مرسام
٦٧	١٨	وقوع	واقع

کابل

کابل دیروز
کابل امروز
و کابل فردا با فردای مبهم آن



مولف:
پوهاند غلام جیلانی "عارض" "احمدیار"

۱۳۷۷ هـ. ش



مشخصات کتاب:

نام کتاب	:	کابل
مؤلف	:	پوهاند غلام جیلانی "عارض" "احمدیار".
ناشر	:	زاهد عمر لمیتد.
کمپوز	:	ایشیا سافت.
کمپوزر	:	حفیظ الله.
سال نشر	:	۱۳۷۷ هـ. ش.
چاپ	:	دانش کتابخانه، قصه خوانی پشاور.

فهرست موضوعات



موضوع	صفحه



موضوع	صفحه

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

رساله ئیکه تحت عنوان کابل (کابل دیروز، کابل امروز و کابل فردا با فردای مبهم و نامعلوم آن) در خامهٔ تحریر گنجانیده شده و به خوانندگان محترم اهدا میگردد از دو سه سال باینطرف توجه مرا بخود معطوف ساخته بود که به یاری خداوند و با استفاده از روزهای مهاجرت و دوری از کابل و وطن توانستم که این مجموعه کوچك را ترتیب و تالیف نمایم.

نوشتن این اثر را یك وجیبه و وظیفه ملی و حتمی خود میدانستم، بخاطریکه کابل زادگاه مادری اکثر افغانها بوده رشد فکری و حب وطن را در تار و پود وجود همه نضج داده است، ثانیاً بخاطر آنکه در زوایای مختلف تاریخ و درابعاد پارینه در طی قرون، کابل بزرگترین شاهراه تجارتی و پر عظمت ترین سنگرگاه دفاعی‌افغانستان محسوب می شد. در حومه و مجاورت کابل بود که قوای مهاجم سکندر کبیر بخود خوردی احساس کرد و از سنگر آهنین و قلعه مستحکم بالاحصار. کابل شاهان این مرز و بوم را در اسیای میانه و محدوده سند

و پنجاب کنترول میکرد، و از همین شهر تاریخی بود که قوای استعمارگر انگلیس چندین بار به شکست مواجه گردید. بابر این شهر زیبا را ستوده و شعرا دیوار مارپیچ او را در بالای اسمائی و کوه شیر دروازه به اژدهای گنج تعبیر کرده است. کابل به صفت یك مرکز مهم سیاسی کلید آسیای میانه و حوزه سند بشمار می‌آید، از همین لحاظ در گذشته و حال محراق توجه جهانیان قرار داشته است.

مع الاسف که بخت به کابل و بر مردمان جنگ زدهٔ آن یاری نکرد و با ناسازگاری روزگار با مصایب و آلام اجباری طوری مصادف و مواجه شد و لگد مال گردید و از هم فرو پاشید که با داشتن تمامی افتخارات باستانی و استحکامات تسخیر نا پذیر نه تنها پناه گا و آشیانه باشندگان اصلی خود شده نتوانست بلکه امکان پناه گزینی پرندگان معصوم محیط خود را هم فراهم نتوانست، در نتیجه به یك شهر ارواح به یك کشت زار مین، به یك مخروبه، به یك تودهٔ خاکستر و به یك شهر متروك شبیه شهر غلغله مبدل گردید.

ضربات راکت و خم پاره های آتشین، بمباردمان، ترور و اختناق کابل را به یك کالبد و به یك پیکره بی روح و بی طراوت مبدل ساخت، ویرانگری های اجباری و آتش زدنهای عمدی چهره و سیمای این شهر باستانی را کاملاً تغییر داده و مسخ کرد.

بناءً بخاطر جاودانه نگهداشتن خاطره این شهر با عظمت و حفظ مزایای پارینهٔ تاریخی‌آن صفحه چند در قید

تحریر در آورده شد، تا خوانندگان هموطن ما و همشهریان محترم اگر در هر گوشه و کنار جهان باشند، ازین شهر زیبا و مسکن اولي خود معلومات مختصر در ذهن و روان خود داشته باشند تا بخاطر عمران و احیای مجدد آن بذل مساعی فرمایند و این پیکره بیروح را طراوت و روح تازه بخشند.

این رساله که به کمك محترم عبدالقدوس عمرزی شرف طبع را حاصل کرده است، مؤلف با این احساس ملی شان ارج میگذارد و باسپاس فراوان یاد آوری و تشکر مینماید.

مؤلف

پوهاند غلام جیلانی "عارض"

شهر کابل

کابل دیروز (از تاریخ تشکیل الی ۱۳۷۰هـ ش)

در مطالعه شهر کابل تمام روابط متقابله کلتوری و محیط طبیعي شهر مورد بررسی قرار میگیرد، با پیوند این رابطه متقابله تمام نهاد ها و ضابطه های بشري، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، صناعتی، تاریخی و مذهبی با ابعاد مختلف زمانی آن در محیط شهر از نظر گذشتانده میشود. ازین لحاظ ملاك های طبیعی و کلتوری در طول تاریخ وجوه چند بعدی را از لحاظ سیر انکشاف، تحولات وپی آمد های تاریخی (کرونو لوژیکی)، توسعه، تغییر و تحولات متمادیشهر کابل را بیشتر در محراق توجه دانشمندان قرار میدهد.

رشد و تنوع در ساختمانهای عمرانی شبکه شهر اوصاف اجتماعات، شکل تماس ها و برخورد ها، تقسیم کار، شغل و حرفه، تحرك اجتماعی، تراکم نفوس، تجانس و عدم تجانس بشری، تفاوت ها و قشر بندیهای اجتماعی تماماً در محیط

شهر کابل در طول تاریخ روند و آهنگ رشد کاملاً تدریجی و متفاوت داشته اما تحت هر نوع شرایط از تبعیت با محیط کلتوری‌و ثقافی خود برخوردار بوده است. بنا بر همین علت است که مطالعه شهر کابل را در دو بخش علیحده از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم:

الف : کابل قدیمه یا Pre Industrial که بانهاد های ما قبل صناعتی زمان قرون وسطائی بااستفاده از نیروی ایو تکنیك Eo- Technique سیر تکامل خود را دنبال میکرد.

ب : کابل معاصر که نهادهای معاصر صناعتی (Industrial) و کامپلکس های همه جانبه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ان دخیل بوده، شاخص ها و نورمهای معاصر شهری را تمثیل کرده و در انکشاف آن تکنالوژی معاصر رکن مهم را دارا میباشد و در هر مرحله از لحاظ ساختمان های عمرانی و اجتماعی تازگی ها و نو آوری مفید را انعکاس میدهد.

در بخش اول سیر تکامل شهر کابل را باروند تاریخی آن که با چه حادثات، رویدادها و عواقبی مواجه میگردد در ارتباط با ضابطه های کلتوری و فنکشن های موثر اولی شهر مورد پژوهش قرار میدهیم، و در بخش دوم کامپلکس شهر

معاصر کابل را با در نظر داشت راه‌ و شد توسعه و انکشاف آن توام با پرابلم ها و کاستي های آن از نظر میگذرانیم.

موقعیت کابل:

کابل را باید در نظر داشت مفاهیم عام و خاص آن مورد مطالعه قرار داد. هر گاه به مفهوم خاص و به مقیاس نسبتاً خوردتر آنرا بر رسی نمائیم، در انصورت کابل عبارت از شهریست که بدامان کوه شیر دروازه در امتداد بالاحصار، به استقامت پل خشتی و پل باغ عمومی بدو سمت دریای کابل هسته گذاری شده، و در طی قرون و اعصار متوالی توسعه و انکشاف قابل ملاحظهٔ را پیموده است. با گذشت زمان شهر کابل رقبه وسیعی را اشغال کرد. و پلان شهري آن اکنون الی انتهای شمال خیرخانه گسترش یافته و عمرانات آن مشرف بر کوه های هزاره بغل، کوتل خیرخانه، میدان هوائی و خواجه رواش میباشد. ساحه شرقی شهر کابل الی مجاورت ماهی پر، پل چرخی، کوتل لته بند، و حصهٔ از بگرامی، ساحه جنوبی آن الی سیاه بینی، دارالامان، و دامنه های تپه تاج بیگ و قسمت غربی آن الی دامنه های قرغه، دو راهه پغمان، دشت برچی و قلعه قاضی توسعه یافته است. و دهکده های چاردهی، بی بی مهرو و اطراف آن فعلاً جزء قلمرو شهری میباشد. مرکز پغمان هم زمانی جزء شاروالی و تأسیسات شهری قرار داشت و عمارات و آبدات آن که از ساختمانهای معاصر شهری نمایندگی میکند، که در غرب کابل تفریحگاه مرغوب مردم

شهر کابل (Urbanization) مثل سایر شهر های جهان مراحل تکاملي خود را دنبال کرده و شامل یازده ناحیه شهری است.

موقعیت کابل بر اساس شاخصهای علمي بالای عرض البلد ۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه شمالیو طول البلد ٦۹ درجه و ۱۲ دقیقه شرقی واقع شده که این دوائر تقریباً از مرکز شهر میگذرد، ارتفاع کابل از سطح بحر در حصه میدان هوائی ۱۷٦۷ متر، و بلند ترین قله شیر دروازه (۲۲۱۸,۵) متر و مرتفع ترین حصه کوه آسه مائی (۲۱۰۴,۴) متر میباشد.

کابل به مفهوم عامتر آن عبارت از ولایتی است بنام ولایت کابل که شامل ولسوالی های پغمان، چاردهي، ده سبز، بگرامي، شکردره، قره باغ، و سروبیبوده و چندی قبل لوگر، میدان، وردك، و پروان نیز جزء از ولایت کابل محسوب میگردید.

اما در تزك بابری حدود کابل را اینطور شرح داده اند:(۱)

"کابل از اقلیم چارم است، درمیان معموره واقع شده است، شرقیآن لمغانات و پر شاور و کاشغر، غربیآن کوهستانهایست که کرنو و غور در ان کوهستانست، شمال او ولایت قندوز و اندراب است، کوه هندوکش در میان است و جنوبي او فرمل و نغر و بنو است.

مختصر ولایت است، طولانی افتاده، طول او از مشرق

۱- تزك بابری، و آرامگاه بابر ص - ۵٦.

به مغرب است، اطراف و جوانب او تماماً کوهست. قلعه او بکوه پیوست است، در میان غرب و جنوب قلعه یك پارچه کوه خرد است در قلعهٔ آن کوه چون شاه کابل عمارت کرده بود. این کوه را شاه کابل میگویند، امتداد این کوه از تنگیانورین است تا تنگیده یعقوب تمام میشود گرد اگرد او یك میل بوده باشد.

در دامـنــه این کوه تماماً باغاتست، در زمان عم من الغ بیگ میرزاویس اتکه در دامنه این کوه یك جوی بر آورده، باغیکه درین دامنه است تمام با این جوی معمور است، پایان آب گلکنه است، برسر یك چشمه (خواجه شمو) نام مزاریست و در چشمه دیگر قدمگاه خواجه خضر است، این دو گشتن گاه مردم کابل است. یك چشمه دیگر رو بروی خواجه عبدالصمد است خواجه روشنائی میگویند.

از شهر کابل یك بینی گاه جدا شده عقابین میگویند، یك کوه خرد افتاده، ارگ کابل بر بالای این کوهست، قلعه طرف شمال ارگ است، این ارگ غریب مرتفع و خوش هوا جایی واقع شده، برین کول کلان و سه اولانگ دیگر سیه سنگ و سونگ، قرغان و چالاك باشد مشرف است و تمام اینها زیر پایند، در ارگ بطرف شمال آن خانه های دریچه دار بسیار خوش هواست...

از توضیحات فوق چنین بر می آید که کابل به مفهوم عام آن ولایت برزگی را احتوا میکرد که در شمال آن کندز، در غرب آن غور، در جنوب بنو حصهٔ از پکتیا و در شرق آن لغمان، پشاور و کاشغر موقعیت داشت و به این اساس ساحه

وسیعی را در بر میگرفت که خیلی سر سبز، معمور و آبادان بود.

حوزه کابل از جمله مفاهیم و مقولات دیگر محیطي است که شامل تمام حوزهٔ آبیگر دریای کابل میشود که از کوتل اوني، منبع دریای غوربند، پنچشیر، دریای للندر، لوگر، دریای علی‌شنگ، علینگار، منبع دریای کنر و سرخرود شامل بوده و به این حساب این حوزه آبگیر در حقیقت حوزه کابل را تشکیل میدهد که شامل ولایات مجاور کابل نیز میگردد و در حقیقت ساحه خیلی وسیع را در بر میگیرد که قرین و منطبق به ساحات تزك بابری است.

منشأ تشکل شهر کابل:

تشکل شهر کابل عامل مجرد و واحدِ نداشته بلکه چندین فکتور در تشکیل این شهر باعظمت و تاریخی‌سهم بزرگ را دارا میباشد. طوریکه در مدنیت باختر، مدنیت مزوپوتامیا، حوزهٔ نیل و سنده اکثر شهرها در مسیر دریا ها با مساعدت آب ، خاك و اقلیم مناسب پا به عرصه وجود گذاشته، کابل قدیمه نیز اولین بار با استفاده از موجودیت دریای کابل و موقعیت مناسب (Site) فزیکی سیر انکشاف خود را پیموده و بعداً نقش سیاسي، مذهبي، اقتصادی از جمله فکتورهای مؤثر در رشد و انکشاف کابل سهم ارزندهٔ را ایفا کرده است.

از تحقیقات جنرال کننگهم بر می آید که کابل را

بطلیموس بنام (کارورا) یا (کابورا) و مردم آنرا بنام (کابولیتای) و سر زمین بلند آنرا (اورتسپانا) یاد کرده است،[۲] این کلمه در زبان سانسگرت (اور دهستهانا) به معنی شهر بلند آمده است.

نقش هاید روگرافی:

در سرود های ریگ ویدی کلمه (کوبها) بالای رود خانه ها اطلاق میگردید، (کوفن) یا (کوفس) نام یونانی‌است که آنها بالای رود کابل گذاشته بودند.

درینجا دو پدیده عینی و موجه را در تشکیل شهر کابل میبابیم، اولی دریای کابل که بقول یونانی‌ها (کوفن) یاد شده و دوم شهر بلند (اورتسپانا) یا (اوردهستهانا) که همین موقعیت بالاحصار کابل را ازان میتوان استنباط کرد.[۳]

عده از مستشرقین شهر کابل قدیم را بنام (کاپیلا) یاد کرده اند که احتمالاً شهزادگان کنشکا این نام را بر ان گذاشته باشند، برخی را عقیده برین است که کابل بنام پسران نوح (قابل و کابولا) یا (کابول) نام گذاری شده است. در داستانهای رزمی‌زبان دری کلمه (کاول) بکرات ذکر شده است و گویند که در زبان اوستائی (و) به (ب) مطرد است، بناءً امکان دارد که

۲- جغرافیای قدیم هند ص - ۴۷۱.

۳- مجله کابل شماره ۳ سال اول ص ۴۶.

(کاول) به (کابل) تغییر شکل یافته باشد. روایات فولکوری نیز درین زمینه موجود است که کابل قدیمه بشکل جزیره خوردی در بین تالاب این حوزه قرارداشت، برا یعبور از آب این تالاب پلی از کاه ساختند تا امکان عبور و مرور از ان فراهم گردد، از ان به بعد (کاه پل) یا (کاپل) به (کابل) تغییر یافته است. این واقعیت را هم نباید فراموش کرد که کابل موجوده در موقعیت قبلی ژیولوژیکی متشکل از حوزۀ بسته بود.[۴] که آب و افردران وجود داشت و بعداً آب آن در مسیر ماهی پر مجرای خود را کشود و این تالاب بزرگ به شکل امروزی خود ساحه موجوده کابل را به بار آورد.

عامل توپو گرافی:

در سر زمین های بلند و تپه های مرتفع اغلباً یونانی های قدیم حصارها و دژهای بزرگی را اعمار میکردند. شهر آتن بالای هفت تپه بنا نهاده شده بود که باصطلاح اکرو پولیس Acropolis یاد می شد، حصار اولی کابل را همین بالا حصار کابل تشکیل میداد که از استحکامات و تأسیسات مقاومی متشکل بود.

بهر ترتیبیکه باشد کابل در قرن اول اسلامی شهری بود که قلعت محکم داشت و آنرا (گرزندین) گفتند و رسیدن به این حصار منیع کاری بود بس دشوار، و تاسال ۲۹۰ میلادی بنا

۴:- مجله جغرافیه بسال ۱۳۴۱ ص ۲۲.

بر ساختمان توپوگرافیکی، موجودیت نقاط حاکم و ترصد از نقاط مرتفع آن کسی به این قلعه مسلط شده نتوانسته بود، حصار منیع کابل به استواری شهرت کامل داشت و به قول اصطخری فقط یك راه داشت و در بین آن مسلمانان اقامت داشتند، درحالیکه هندو ان و یهودیان در ربض بیرون شهر میزیستند و کهندز حصین و دژ عجیبی داشت.[۵] خرابه های قلعه هندو در جنوب شاه شهید امروزه گواه مشهور از زمان هندو ان انوقت است.

از جانب دیگر موجودیت کوه شیر دروازه، کول سمت جنوبی بالاحصار، تپه زمرد بالاحصار، موجودیت جرهای عمیق در اطراف بالاحصار ماهیت توپوگرافی این ساحه را به حیث نقطه حاکم و مسلط در شهر کابل قدیمه قراد داده بود.

نقش مذهبی و ستراتیژیکی:

در سال ۲۸ - ۳۲ هـ ق، مسلمین تحت قیادت عبدالرحمن بن سمره از راه غزنه به کابل حمله کرد، بعداً عبیدالله بن ابی بکر صدیق به کابل لشکر کشید، سپس عبدالرحمن بن اشعب یکابل حمله آورد، درین جنگ رتبیل شاهان دیوار مستحکمی در دور ادور شهر بنا کردند، اما در معبرد همزنگ مسلمانان رخنه کرده سوراخی حفر کردند و در نتیجه شهر را تسخیر کردند.

۵:- احسن التقاسیم ص ۳۰۴.

درین جنگ عبدالرحمن به دو شمشیر می جنگید، اما سر انجام از پا در افتاد و در همانجا دفن شد. زیارت شاه دو شمشیره یادگار از وی است. متعاقب در مجاورت زیارت مسجد بنام شاه دو شمشیره اعمار شد، بعداً این مسجد توسط نصرالدین همایون بابر مجدداً ترمیم گردید، اما شاه امان الله خان غازی به اعمار و ترمیم بهتر آن صرف مساعی ورزید و آنرا به شیوه مرغوب در آورد. این مسجد نخستین مسجد اسلامی است که در کابل توسط اعراب اعمار شده است. بعد از ورود اعراب و پخش دین اسلام در کابل مراکز متبرك مذهبی و مساجد متعددی اعمار شد. زیارت شاه دو شمشیره، جابر انصار، تمیم انصار، عاشقان و عارفان، و شهدای صالحین وغیره عامل مذهبی را در انکشاف شهر کابل به بار آورد. بعداً در هر گذر و محله شهر مساجد خورد و بزرگی اعمار گردید از انجمله مسجد عیدگاه و مسجد پل خشتی که بعد از مسجد شاه دو شمشیره قدامت تاریخیبیشتر دارند. از دیدگاه مذهب بودیزم معابد چند نیز در شهر کابل موجود بود. در بالاحصار کابل قبل از تعمیر حصار آن در بالای تپه زمرد معبد خورد بودایی وجود داشت. در شیوکی، دامان شاخ برنتی، بالای تپه مرنجان، تپه سلام، کوتل خیرخانه یك تعداد زیارتگاه های بودایی وجود داشت، مؤلف حدود العالم چنین مینوسید:

"کابل شهرکیست و او را حصاریست محکم و معروف باستواری و اندر وی مسلمانانند و هندوان اند و اندر وی

بتخانه هاست و رای قنوج را ملك تمام نگردد تا زیارت این بت خانه نکنند و لوای ملکش اینجا بندند."
این مسایل ارزش نقش مذهبی کابل را آشکار می سازد.

از سال ۲۵۷ هـ به بعد یعقوب لیث صفاری در کابل مسلط شد، بعدا سلاله دیگر هندی بنام (کالاله) حکومت جدیدی را در کابل بوجود آورد و تا عصر سبکتگین نفوذ کلتوری هند بر کابل بیشتر گردید، بتخانه های هندی از دیاد یافت و الی عصر سبکتگین این وضع ادامه یافت.

نقش دفاعی وسیاسی:

شریف ادریسی در سنه ۵۴۹ هـ ق، (۱۱۵۴م) اینطور تذکر داده "که کابل شهر بزرگ و دارای ابنیه نیکوست، حصار کابل به حصانت و استواری مشهور است و یك راه صعود دارد."[٦] نوشته جغرافیه نگاران عرب در باره کابل ناچیز است، اما بابر در تزك خود ارگ و حصار و دیگر محلات آنرا بدرستی شرح داده و از یادداشت های او بر می آید که دیوار ها و حصار کابل همواره مورد استفاده مدافعان بوده است. این مطالب در همایون نامه، اکبرنامه و تزك جهان گیری بوضاحت تذکر داده شده است. کوهی که ارگ بالاحصار بر ان بنایافته آنرا (شاه کابل) می گفتند، بالای آن عقابین بود و شهر کابل دو قلعه گلی داشت و ارگ بالاحصار متشکل از قلعه جداگانه

٦:- نزهته العشاق ص ۱۷.

بود.

قلعه این شهر را میرزا کامران پسر بابر ترمیم کرد، اما وقتیکه جهانگیر بکابل آمد (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ ق) عمارات سابقه را تخریب کرد و محل علیحده برای خود ساخت و قلعه ارگ که از مواد خام بود به امر شاه جهان در سال (۱۰۵۴ هـ ق) از گچ و آهك ساخته شد.

قلعه (حصار) کابل دارای دروازه های متعدد بود، دروازه دهلی طرف شرق که بعداً به دروازه لاهوری مبدل گردید، دروازه یارك یا (بارك)، دروازه طاقیه دوزان و دروازه آهنین طرف غرب موقعیت داشت.[۷] شاه جهان در سال (۱۰۵٦هـ، ق) دوازده لك روپیهِ را به تعمیرات کابل مصرف کرد، قلعه دور شهر را ترمیم نمود و برای بالاحصار آب مورد نیاز را تهیه کرد.

دیوارهای بالاحصار مقابل مهاجمین وسیله بغایت مفید و سپر آهنین در برابر دشمن تلقی‌می شد، در سال (۱۰۳۷ هـ ق) ندا محمد خان از طرف بی بی مهرو بر بالاحصار هجوم آورد قوای مدافع از شهر به مردانگی‌دفاع کرد و بعد از سه ماه دشمن را شکست فاحش داد، احسن الله ظفر خان شاعر چیره دست درین شهر حکمرانی داشت، میرزا صائب شاعر مشهور درے به کابل آمد و در باره بالاحصار و دیوارهای آن اینطور مدح کرده است:

۷:- اکبرنامه ص ۱ - ۲٦٦.

حصار مارپیچش اژدهای گنج را ماند
که می ارزد به گنج شایگان هر خشت دیوارش

دیوار و حصار کابل که مرکز آن ارگ بالاحصار بود تا آخر حکمرانی آل بابر (ناصرخان) بهمان ترتیب باقی ماند، تا آنکه قوای نادر شاه افشار درسال (۱۱۵۱هـ ق) شهر کابل را در اختیار خود آورد وقتیکه احمد شاه بابا درسال (۱۱۶۰هـ ق) در قندهار بر تحت سلطنت نشست کابل نیز از جمله قلمرو او بود. سردار جهانخان پوپلزائی را سپه سالار و حکمران کابل تعین کرد. او دید که دیوار های کابل در اثر حوادث ناگوار آسیب دیده در سال (۱۱۶۶هـ ق) امراحداث یك دیوار بزرگ دیگری را به دورا دور شهر کابل داد، که در ظرف پنج ماه تکمیل گردید. به قول حافظ نور محمد یك ضلع دیوار در حد ماشین خانه اندرابی قرار داشت و تا آخر گلستان سرای میرسید. ضلع دیگر در حصه سلامخانهٔ خاص و بالای زیارت بابه کیداني عبور میکرد و تا دروازهٔ لاهوري میرسید، قسمت دیگر با پیچ و تاب بالای چند اول آمده و در حدود ماشین خانه تمام میگردید، و دارای دروازه های آتی بود:

۱. دروازه قندهاری واقع دهمزنگ.
۲. دروازه سپید در حصه سلامخانه خاص.
۳. دروازه سردار جهانخان در حصه زیارت بابه کیدانی.
۴. دروازه پیت در حصه داشهای عقب مسجد عیدگاه.

علاوه بران دروازه های مثل دروازه خافی ها، دروازه شاه سمندها، کبری ها، کرتها و شیرازیها نیز در نقاط مختلف

دیوار شهر وجود داشت، این دیوار دارای یازده مهره بود که یك قسمت آن در سال (۱۳۱۰هـ ش) در اندرابی و حصه دیگر درمندوی خربوزه فروشی بملاحظه میرسید. [۸] میرزا هادی خان سر منشی دربار تیمور شاهی قطعهٔ زیبائی در باره بالاحصار کابل گفته است که حصه آنرا درینجا ذکر میکنیم:

شـــهر بـــندی کرد بنیاد آن امیر
کـوبـسـر برداشـت چـرخ زرنگار
گــرچه دور از کار بودی کاین بنا
ســال چـار و پنج گــردد استــوار
لــیك ز اقــبـال شـهٔ والا نــســب
دیگـر از سعـی امیـر بـخـتـیـار
مــاه پـنـجـم ایـن اساس با شکوه
شد تـمـام از الـتـفـات چـار یـار
بـا عـلـو و شان حصاری شد بلند
کـافگـنـد چرخ بـریـن از اعـتـبار
بـسـکه دارد شان و شوکت هم علو
خـانـه زادش چرخ اطلس در شمار
از(جهان)زدسر چو این عالی اساس
(عشرت)از کابل زمین شد آشکار
سـال تـاریـخش چو جستم از خرد
شـد مـعـیـنـم لـطـف او از سـرکـار
درفـشـان شـد از سـر اعـزاز گـفـت
"همسری داردبگردون این حصار"
(۱۱٦٦هـ)

---

۸ :- مجله کابل شماره ۳ ص ۵۷ سال ۱۳۱۰ ش.

در جریان حکومت سدوزائی و محمد زائی بالاحصار به تحولات و رویدادهای پرماجرائی رو برو گردید و باآمدن انگلیسها در خاك افغانستان در جنگ اول افغان و انگلیس (۱۸۴۰م) و جنگ دوم (۱۸۸۰م) از بالاحصار کابل انگلیسهایا دداشتها و عکس برداریهای زیادی کردند.

جیمز اتکن سن James Atkenson انگلیس سیمای بالاحصار کابل را در سال ۱۸۴۰م اینطور شرح کرده است:

بالاحصار تقریباًبه وسعت یك برچارم حصه تمام شهر کابل است، دیوار اطراف آن برجهای متعدد دارد، اکنون دو دروازه آن کشوده است، که عبارتند از دروازهٔ غربی و دروازه شرقی. دروازه شرقی را دروازه پشاور می نامند، و هر دو دروازه در هنگام شب مسدود و قفل میشود. در اطراف بالا حصار خندق خشکی حفر شده که براهمیت دفاعی و ستراتژیکی آن می افزاید و در جنوب غربی آن برامدگی کوه شیر دروازه است، یك حصه بلند تر تپه بالاحصار که بالای سر مخروطی کوه واقع شده قبلاً زندان حکومتی بود و سیاه چاه های مرگبار دران حفر شده بود. از انجا تمام کابل دیده می شد و دیوار علیحده بطرف جنوب غربی دارد در سال ۱۸۴۰م راه در آمد بود، دیوار و برجهای آن تماماً ویران شده اما قبلاً جای مستحکمی بود، در بین دیوارهای بالاحصار و کوهسار به اندازهٔ دو میل باطلاق وجود دارد، اما امیر دوست محمد خان در استحکام این ساحه خیلی توجه نموده بود.

سه بناه مهم در بالاحصار:

این سه بناء ذیل در سال ۱۸۴۰م قابل توجه بود:

۱- اقامت گاه شاهی که امیر دوست محمد خان انرا در سال ۱۸۳۵م اعمار کرده بود و در سال ۱۸۴۰م سفیر برطانیه در ان اقامت داشت، درین بنا کاشی کاری و نقاشی های مقبول و مرغوب بکار رفته بود.

۲- خرابه مسجد شاهی که در عصر عالمگیر ساخته شده بود.

۳- حرمسرای شاهی که در سال ۱۸۴۰م شاه شجاع در آنجا اقامت داشت.

این بناها خیلی مجلل، زیبا و باعظمت بود، متأسفانه در خانه جنگی های آخر بکلی خراب و منهدم شدند. این سه بناء فوق در داخل بالاحصار به فاصله صد گز یکی از دیگر فاصله داشتند، بامهای مسطح و گلی بود، که در مقابل برفباری ها و بارندگی اقلیم کابل مقاومت نداشتند. حصه علیای بالاحصار در حدود ۴۱۶ × ۲۳۰ قدم بود و حصه سفلی آن به وسعت (۱۰۰ × ۵۰) قدم می آمد که در ان دوکانهای متعدد موجود بود.

دربارخانه: در پائین بالاحصار متصل مسکن سفیر برطانیه چهاردیواری است که دربارخانه و حرمسرای در ان واقع است، و قسمت علیای دروازه بالاحصار مخصوص برای دستهٔ موزیك شاهی است که جزء مهم تشریفات سلطنتی محسوب میگردد. هر گاه ازین دروازه برون شویم راهی به وسعت ده،

دوازده فت به بازار باغ علیمردان منتهی میشود. به این اساس با وصف آنکه بالاحصار کابل ارزش دفاعی مخصوصی دارد، مانند اکروپولیس های یونان قدیم دارای ساختمانهای بزرگ و عمرانات اساسی میباشد که از مرکز سیاسی و ادارۀ یك کشور به حیث پایتخت و هسته مرکزی شهر در ان زمان نمایندگی میکرد.

بابه میان آمدن اسلحه ناریه اهمیت دفاعی بالاحصار تا حدودی پائین آمد، اما تا قرن نزده مقر سلطنتی افغانها و شاهان سدوزائی و محمدزائی بود. در جریان جنگ اول (۱۸۳۹م) و دوم (۱۸۸۰م) افغان و انگلیس این هسته بزرگ تاریخی و سیاسی بارها مورد حمله، تطاول و لشکر کشی های اجنبی قرار گرفت و در سال (۱۸۷۹م) با قتل کیوناری قیام ملی و بلوای مردم کابل بالاحصار کابل طعمه حریق گردید، سپاه انگلیس در نقاط مختلف شهر کابل و چاردهی با انگلیسها در پیکار شدند، اما شکست انگلیس در دشت قلعه قاضی و متعاقب در شیرپور سبب شد که انگلیسها خاك افغانستان را ترك کنند و در پایان این جنگ امیر عبدالرحمن به تخت کابل نشست، اما از استقلال کامل برخوردار نبود.

در زمان عبدالرحمن خان مقر سلطنت از بالاحصار به ارگ موجوده انتقال داده شد (۱۸۸۴م). تا اینوقت بالاحصار کابل ارزش دفاعی، سیاسی و ستراتیژیکی خود را حفظ کرد، اما با اعمار ارگ جدید در موقعیت موجوده اش کابل راه رشدو انکشاف خود را نیز پیمود.

نقش اقتصادی و تجارتی در تشکل کابل:

کابل به حیث مرکز تجارتی در تقاطع راه های بزرگ تجارتی و بازرگانی شمال، جنوب و شاهراه شرق و غرب قرار داشت. H.H. Wilson اچ اچ ویلسن در کتاب معروف آریانا انتیکا Ariana Antica مینویسد:

اورتسهپانم را سه راه بزرگ ترافیك است. یکی آن را سأ از غرب، دیگر از شرق و سؤمی از جنوب آمده در (اورتسهپانم) با هم تلاقی مینماید. اما ستراىن می نگارد که سرك های مذکور سه نی بلکه چارراهی بزرگ تجارتی است که بطرف باکتریا، اراکوزی و هند منشعب مئوشند. این راه ها از شاهراه های بزرگ تجارتی آسیا محسوب می شد، اما باکشف ماشین بخار و فعالیت های کشتیرانی در ابحار، اهمیت قبلی خود را از دست داد. این شاهراه ها مراکز تجارتی مدنیت باختر و آسیای مرکزی را به سندو پنجاب، هندو جهان عرب و فارس قدیم برقرار میساخت. زایرین هند بطور متمادی بکابل می آمدند و تجار ترکستان از کابل به هند و دیگر مراکز بارزگانی از همین شاهراه ها می گذشتند.

در تزك بابری اینطور تذکر داده شده است: "درمیان هندوستان و خراسان براه خشکی دو بندر است: یکی کابل و یکی قندهار، از فرغانه و ترکستان و سمرقند و بخارا، بلخ و حصار و بدخشان کاروان بکابل می آید، درمیان خراسان و هندوستان واسطه این ولایت است، بسیار سودا خانه خوب

است، سوداگران به روم وختاروند نهایت همین قدر سود میتوانند کرد، هر سال هفت هشت هزار اسپ به کابل می آید، از جانب هندوستان هم پانزده بیست هزارخانه وار کاروان بکابل می آیند... متاع خراسان، و عراق و روم و چین در کابل یافت میشود، باین اساس ماهیت تجارتی کابل در بین سائر محلات مجاور درخور اهمیت و یاد آوری میباشد.

شبکه شهری کابل قدیم:

تا اینجا منشأ تشکل شهر کابل قدیمه را بطور فشرده مطالعه کردیم حال خصوصیات شبکه شهری قدیم آنرا از نظر میگذرانم. طوریکه به نقشهٔ قدیمه شهر کابل دقت شود و بقایای آن که همین اکنون در چنداول، بارانه، شوربازار درخت شنبک و حصه از عاشقان و عارفان برجا استوار است، کابل قدیمه پلان نامنظم داشت. گذرها ومحله ها دارای خانه های محاط با دیوارهای مرتفع گلی بود، مصالح تعمیراتی خیلی ابتدایی و خام در ان استفاده شده بود، جاده ها خورد، کم عرض، نامنظم و مارپیچ بود که تنها اشخاص پیاده و دوچرخه های ابتدائ در ان امکان رفت و آمد را داشت. کوچه های هر محله در اثنای شب با دروازه های بزرگ مسدود و قفل می شد و باین ترتیب امنیت شان تأمین می گردید و بیشتر شکل دفاعی داشت، در هر محله عشایر و افراد متجانس منسوب به یك قبیله و ملیت بود و باش داشت و بدور محور اتنوسنتریزم می چرخیدند که از اوصاف شهرهای قرون وسطائی نمایندگی

میکند. رسم و رواجهای قبیلوی در هر محله و جود داشت، خانه های دریچه دار رو به شمال و رخ تعمیرات اغلباً با سمت تابش آفتاب می بود. خانم ها در چاردیوار خانه محصور و مستور بودند. موجودیت نقاره خانه، تواچی و روزبازار، و نخاس ممیزه دیگر باستانی بودن این شهر را ثابت میسازد. شبکه شهری متشکل از گذرها و محله های مختلف بود و آنهم به ترتیب ذیل:

۱- گذر دیوان بیگی:

این گذر بنام سردار عبدالله خان فوفلزائی شهرت دارد، سردار عبدالله خان در وقت احمد شاه بابا عهده دیوان بیگی را داشت و در زمان تیمورشاه برتبه وکیل الدوله نایل آمد. گذر دیوان بیگی نزدیك شترخانه بود که آنهم تحت پروژه جدید شهری قرار دارد.

۲- گذر سردارجان خان:

سردار جانخان فوفلزائی سپاه سالار زمان احمد شاه بابا است و این محله قبل از حکومت تیمورشاه در سال ۱۱٦٦ هـ ق در وسط شهر قدیمه اعمار اما قدری از بآلاحصار دورتر واقع بود.

۳- گذر قاضی:

این گذر عبارت از شوربازار موجوده است که بنام فیض الله خان قاضی القضات زمان تیمورشاه احداث شده بود.

۴- گذر مرادخانی:

بنام سردار مراد خان که از متنفذین زمان احمد شاه و

تیمورشاه بود نام گذاری شده است، سردار مراد خان نیز فوفلزائی بوده و سه صد خانواده در اختیار خود داشت مراد خانی موجوده عبارت از همان گذر است.

۵- گذر اچکزائی ها:

این گذر هم بنام عشیره و متنفذین اچکزائی های قندهار بنا نهاده شد و تاکنون بهمین نام شهرت دارد.

علاوه برین گذرها و محله ها از محله های دیگر نیز میتوان نام گرفت مثلاً بارانه، چنداول، خیابان، قرتای چنداول، اندرابی، گذر علی مردان، قصاب کوچه، کوچه سکهـ بچه ها، درخت شنگ، تنورسازی، شترخانه، کوچه خرابات و امثال آن که قسماً این محلات با تطبیق پلان جدید شهری در حال انهدام می باشد و قسمت از ان محلات قدیمه بهمان حالت نادرست به شکل جزیره های خورد در اطراف جادهٔ میوند و اندرابی هنوز هم وجود دارد.

چارچته کابل:

چارچته و چته از ممیزات شهر های قدیمه میباشد و بازار را باسقف می پوشانند، تا ازبارندگی و تابش آفتاب مردم مصئون مانده بتوانند. چارچته کابل بطول ۶۰۰ فت و عرض هر کدام به سی فت میرسید، و از جملهٔ بازار مهم تجارتی کابل قدیمه محسوب می شد که متصل به دروازه مسجد پل خشتی بین کتابفروشی، آبده میوند و پل خشتی موجوده موقعیت داشت. چارچته را علی مردان خان در قرن هفده میلادی آباد کرده بود و در اطراف آن چارده سرای جداگانه بغرض معاملات

تجارتی نیز اعمار شده بود. چارچته در سال ۱۸۴۲م یك بار مورد دستبرد جنرال پالك انگلیس قرار گرفت اما زود تر التیام یافت. این مرکز مهم تجارتی در سال ۱۳۲۸ هـ ش به منظور عصری ساختن شهر کابل تحت پروژه عمرانی شهر قرار گرفت و کاملاً تخریب شد.

رسته:

در کابل قدیمه رسته های مختلف از نگاه فعالیت های تجارتی و تولید افزار به اساس حرفه های جداگانه نیز وجود داشت که از ممیزات شهر های قدیمه بحساب می آید، رسته بزازے، رسته آهنگری، رسته مسگری، رسته زرگرے و امثال آن وجود داشت، که هر کدام به حیث اتحادیه صنفی و تولیدی مشاغل خود را بسر می بردند. حمام های مشخص و ابتدائی در هر محله نیز وجود داشت که مهمترین آن حمام کاه فروشی و حمام کجاوه بود.

علاوه بران به غرض گشت و گذار و تفریح مردم باغهای سرسبز در کنج و کنار کابل موجود بود، مهمترین آنها عبارت بود از باغ شهر آرا، باغ جهان آرا، باغ نواب، باغ لطیف، باغ عمومی، باغ قاضي، باغ علم گنج، چارباغ، باغ جلوخانه، اورته باغ، باغ صورت خانه، باغ مهتاب، و غیره که اکثر آن در زمان بابر احداث شده بود، باغ بابر در دامان غربی کوه آسه مائی در زمان بابر سرسبز بود، جهانگیر باغ جهان آرا را اعمار کرد، و از باغ شهر آرا سخت به نیکوئی یاد کرده است: "در شهر کابل

بدان لطافت و خوبی باغی نیست. طراوت آن بدرجهٔ است که با کفش پای بر صحن آن نهادن از طبع راست و سلیقه درست دور است." اما سیل حوادث بناز و طراوت آن اعتنائی نکرد و اکثر این محلات با ورود نادر افشار در معرض دست برد و خرابی روزگار مواجه گردید. با در نظر داشت توضیحات فوق کابل قدیمه مثل سایر شهر ها و بلاد آسیا و جهان اوصاف قرون وسطائی را دارا بود، زیرا هسته مرکزی شهر در بالای تپه و بالاحصار مستحکم حیثیت یك دژ بزرگ دفاعی را داشت، شبکهٔ شهر قدیمه نامنظم، و ساختمان ها از گل و خامه و کوچه های مارپیچ و دروازه های دور شهر به شاهراه های تجارتی قدیمه پیوند داشت. بجز از مدارس دینی، مساجد، معابد و تکایا دیگر مرکز تعلیمی پیشرفته کمتر بملاحظه میرسید. شفاخانه ها وجود نداشت، صحت و دوام زندگی مردم در دست دانش ابتدائی و تجارب قدیمه و عنعنوی قرار داشت و بجریان روزگار دست و پا میزد. از همین لحاظ تعداد نفوس محدود بوده در محله هایکه قبلاً نام گرفتیم در یك رقبه نسبتاً خورد کابل آنوقت زندگی میکردند، و احتیاجات شان از اطراف و اکناف کابل به وفرت تهیه میگردید.

توسعه شهر کابل بانهادهای معاصر آن

شهر کابل در جریان قرن نزده تحولات زیادی را نایل آمد، و رود تیمورشاه به کابل فصل مهمی را در انکشاف و توسعه آن از لحاظ عمرانات شهری و افزایش نفوس تشکیل میدهد. زمانشاه هم به نوبه خود توجه مزیدی در آبادی شهر کابل نشان داد، قصر چهلستون که به سمت شرقی بالاحصار اعمار شده بود از جمله بهترین آثار تاریخی عهد او محسوب می شد، اما متاسفانه در اثر خانه جنگی ها وسیل ناگوار حوادث این عمارت ویران و ازان اثری برجا نمانده است.

از سلسله محمد زائی امیر شیر علیخان در نوبت دوم سلطنت خود (۱۸٦۸ - ۱۸۷۸م) متوجه اصلاحات داخلی شد و در عمرانات کابل توجه زیادی مبذول داشت. شیر پور از جمله بناهای مهم تاریخی است که در عصر او تکمیل گردید و ساحه شهری کابل را بیشتر بجانب شمال توسه بخشید. در سال ۱۸۷۰ میلادی امیر شیر علیخان اساس شهر جدیدی را در کابل بنام شیر آباد، یا (شیر پور) بنا نهاد که دردامنه تپه های خواجه رواش و شمال غرب کابل موقعیت داشت، این شهر را امیر شیرعلیخان به اساس نقشه شهر احمد شاهی قندهار، اما

با پلان عصری تر طرح و دیزاین کرده بود، ناظر حسین علی خان که بعداً بنام سپه سالار شناخته شد وعهده وزارت حربیه را هم بدوش داشت مامور پیشبرد تعمیرات شهری تعین شد، عمله زیادی برای اعمار این شهر استخدام گردید، مواد و مصالح فراوانی برای تکمیل آن جمع گردید و برای مدت پنجسال کامل کار این شهر را دنبال کردند. دو طرف دیوار احاطه شهر با برخی عمارات اساسی آن تکمیل شد، ولی از انجائیکه عمر سلطنت امیر شیر علیخان دوام و وفا نکرد، نتوانست نتیجه مساعی و ثمره کار خود را در کابل مشاهده نماید. بناءً این شهر به پایه تکمیل رسیده نتوانست. بر عکس در جریان جنگ دوم افغان و انگلیس و در موقع شورشهای ملی بر انگلیسها، این شهر سنگر دفاعی انگلیسها قرار گرفت و در نتیجه تهاجمات زعمای ملی ووطن دوست، انگلیسها از شیرپور بیرون رانده شدند و این شهر که تازه در حال رشد بود، ویران گردید و اخلاف امیر برای اعمار مجدد آن توجه نکردند. فعلا به جز از دیوارها و بقایای ناچیز آن دیگر اثری ازان بجا نمانده است. اخیراً بنا بر پیشنهاد برخی از دانشمندان برای احیای زحمات تاریخی امیر شیر علی خان، حصهٔ از الحاقیه شهرنو کابل که در مجاورت بنای شیر پور قرار دارد بنام شیرپور مسمی کردند، تا از شیر پور تاریخی زمان امیر شیرعلیخان یادی بعمل آمده باشد.[۱]

۱:- تاریخ افغانستان در قرن نزده ص ۱۸۸.

درجریان حکومت امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱م) ارگ موجوده که فعلا هم مقر مرکز افغانستان است در سال ۱۸۸۴م اعمار شد، و همردیف به آن تعمیر باغ بالا نیز تکمیل گردید، در زمان سلطنت امیر حبیب الله (۱۹۰۱ - ۱۹۱۹م) در عمرانات شهری و تعمیر مکاتب نیز توجه بعمل آمد.

موقعیکه امیر امان الله خان به پادشاهی رسید (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹) بعد از حصول استقلال به عمرانات شهر توجه خاصي مبذول داشت، در دارالامان موجوده که قبلاً دهکده های چاردهی قرار داشت پلان شهر کابل جدیدرا روی دست گرفت، قصر دارالامان و تپه تاج بیگ با پلان شهری مفصل تحت ساختمان قرار گرفت و با سیستم عالی ساختمانی با نفاست و زیبایی قابل وصفی تکمیل شد، آب از چشمه چنغور در دامنه های کوه قوروغ و قلعه قاضی توسط جوی و کانال پخته کاري رهنمايي می شد، اما شهر جدیدی که در نظر بود به پایه تکمیل نرسید و اکثر ساختمانهای آن برای مدت بیش از پنجاه سال به شکل غیر قابل ترمیم قرار داده شد. جاده دارالامان با پلان خیلی عالی رویدست گرفته شد و برای اولین بار خط آهن در دارالامان تمدید یافت. اولین بار موتر به حیث پیش آهنگ تمدن عصر جدید به کابل در جاده دارالامان بحرکت افتاد و در بین کابل، تاق ظفر پغمان و قلعه قاضی در رفت آمد امان الله خان مورد استفاده قرار گرفت. طیاره به حیث نمونه عالی تمدن در آسمان کابل به پرواز در امد و از ماشین سینما و مخابره بار اول استفاده بعمل آمد، و به این ترتیب شهر کابل شاهد

تخنیك معاصر جهان گردید، اما با دسایس انگلیس امان الله خان نتوانست پلانهای خود را تکمیل نماید. در جریان حکومت محمد نادر شاه و محمد ظاهر شاه که تکنالوژی، اختراعات و دانش بشری با سرعت سر سام آوری در جهان رو به انکشاف بود، ارتباطات سیاسی و کلتوری با تعدادی از کشورهای جهان فزونی گرفت، نهضت های علمی نیاز به مکاتب، انستیتیوت ها و یونیورستی ها داشت، بناء دست آوردهای تکنالوژی معاصر شهر کابل را در آستانه وسیع انکشافات شهری از لحاظ ساختمان و از لحاظ سازمانهای علمی و فرهنگی قرار داد.

تمدن معاصر که بر ساینس و تکنالوژی اتکاء خاص دارد، بر موضوعات شهر سازی اثر مندی زیادی داشته با استفاده از برق، تخنیك، ترانسپورت و رسانه های جمعی ساختمان شهر به انجینران چیره دست نیاز داشت که در نتیجه ساختمانهای شهر را به یك کامپلکس بزرگ علمی مبدل ساخت. مؤسسات عرفانی و مراکز کلتوری در تمام گوشه های شهر کابل عرض وجود کرد و نیاز مردم را به ساینس وتکنالوژی بیشتر ساخت. با در نظر داشت این مطالب ناگزیر در پلان توسعوی شهر کابل از نظریات دانشمندان، انجینیران و متخصصین استفاده بعمل آمد و بتاسی از ان شهر کابل معاصر راه رشد خود را سریعاً پیمود و توسعه شهری رو به فزونی گذاشت.

پلان سطح مستوی شهر کابل:

با در نظر داشت پلان بیست و پنج ساله شهر کابل تحولات عظیمی در شهر و ساختمان شهری آن نمودار گردید. شهر کابل از چار دیوار بلاحصار خارج شد و شبکه شهر بطور شطرنجی منظم و قسماً نامنظم در امتداد دریای کابل و دامان کوه ها و تپه های مجاور هسته گذاری شد.

در سال (۱۳۵۰ هـ ش) پروژه شیرشاه مینه، در سال (۱۳۲۷هـ ش) میرویس میدان، در سال ۱۳۳۷ کارته سه، درسال ۱۳۵۰ خوشحال مینه، در سال ۱۳۱۴ شهاب الدین میدان (شهر نو)، در سال ۱۳۳۱ سید نور محمد شاه مینه و در سال ۱۳۵۱ هـ،ش پروژه خیرخانه رویدست گرفته شد، و به این ترتیب سیر انکشافی خود را پیمود. در سال ۱۳۲۸ هـ ش چارچتـهٔ کابل تخریب شد، جادهٔ میوند و سپاهی گمنام. پارك ها، سینماها، شفاخانه ها و مکاتب و ادارات دولتی جزء پلان شهری گردید. شبکه شهری در امتداد دریای کابل، در امتداد نشیب های دامان آسه مائی، و علی آباد، بی بی مهرو و تپه مرنجان و کلوله پشته تحت اعمار قرار گرفت.

شهر کابل بهِ اساس تیوری چندین هسته ئی Multiple Nuclei توسعه یافته و به اجزاء مختلف تقسیم گردیده است که هر جزء شهر نظر به توپوگرافی محل و شریان بزرگ ترافیکی و دریای کابل بخشهای علیحده را تشکیل میدهد و آنهم به ترتیب ذیل:

۱- شهر قدیمه کابل بدامان بالاحصار، اطراف جاده

میوند، اندرابی و بالاکوه ده افغانان که شامل ده افغانان، خیابان، مراد خانی، سر چوك، شور بازار و چنداول میباشد که قسما تحت پروژه شهری قرار دارد خاصتا جاده میوند، سرك نادر پشتون، سرك آسه مائی وات، ساحه پل باغ عمومی هسته معاملات تجارتی را تشکیل میدهد، شبکه شهر تابع جریان دریای کابل، جاده های بزرگ و دامان شیر دروازه و کوه آسه مائی میباشد.

۲- در سمت شرق: سید نور محمد شاه مینه، کارته نو و منطقه جشن بدو جانب شاهراه بزرگ ترافیکے زمان قدیمه که از کوتل لته بند می گذشت و دامنه تپه مرنجان توسعه یافته و درامتداد شاهراه ترافیکی فعلی کابل جلال آباد پارك صناعتی کابل و اکثر تأسیسات عمرانی بنظر میرسد، تعمیرات بلند منزل مکروریان ها هم در شرق کابل، شمال و شمال شرق احداث شده و در نقاط هموار خط السیر دریا و شاهراه ترافیکی بر سطح مستوی شهر آن موثریت کامل دارد.

۳- در سمت شمال: پروژهٔ خیرخانه، پروژه خانه سازی و تهیه مسکن و میدان هوائی انکشاف قابل ملاحظه کرده که در قاعدهٔ ان شهر نو، قلعه فتح الله، تایمنی، کارته پروان و شهر آراء وجود داشته تپه ها و راه صفحات شمال و سالنگ وات سطح مستوی آنرا تحت تاثیر می آورد.

۴- در سمت غرب: پروژه خوشحال مینه، کارته مامورین، تعمیرات بلند منزل پروژه قرغه الی دوراهه پغمان

وسعت داشته، مهتاب قلعه، و حصه از میرویس میدان جزء هسته شهری این بخش قرار میگیرد که مرکز میرویس میدان بزرگترین مارکیت تجارتی آنرا تشکیل میدهد، سرك کابل قندهار و سرك کابل پغمان و کابل قرغه در تنظیم شبکه شهری اینجا رول بارز دارد.

۵- در سمت جنوب شبکه شهری دارالامان، کارته سه و جنگلك وجود داشته که سطح مستوی شهر درینجا تابع راه بزرگ ترافیکی کابل دارالامان، و دریای للندر و دامنه های کوه میباشد. در قاعده این اجزاء شهری کارته چاریا شیرشاه مینه وجود داشته و مارکیت بزرگ تجارتی آنرا دهمزنگ تشکیل میدهد.

در هر یك ازین اجزاء شهری مارکیت ها، جاده های بزرگ، مراکز عرفانی و تعلیمی، اداری و صحی، پارك ها مراکز ترانسپورت شهری جدا جدا در نظر گرفته شده است. ولی این نوع انکشافات در سطح افقی بیشتر عملی گردیده است. تا در جهت عمودی آن. خانه ها اغلباً پخته کاری و با طرح معاصر دیزاین واعمار شده است. تعمیرات بلند منزل در مرکز شهر الی چارده طبقه میرسد. و مکروریانها دارای چار الی پنج طبقه میباشد، تماماً با عصری ترین و سایل عمرانی مجهز میباشد. در مرکز شهر راه های پیاده رو زیر زمینی عصری مجهز با مارکیت و محل خرید و فروش در حصه پلازا هوتل و پارك زرنگار اعمار و محل استفاده قرار دارد. و با این وضع سیمای شهر از وضع قدیمه اش به شکل شهرهای معاصر عرض

اندام کرده است.

شبکه شهری در مجموع به یازده ناحیه شهری تقسیم گردیده که هر کدام آنرا نواحی شهری تشکیل میدهد.

ناحیه اول: شامل شبکه شهر قدیمه کابل که جاده بزرگ معاصر آن را جاده میوند تشکیل میدهد.

ناحیه دوم: شامل ده افغانان و نواحی مجاور آن

ناحیه چارم: شامل کارته پروان، شهر آرا و کلوله پشته.

ناحیه پنجم:شامل خوشال مینه، افشار، پولی تخنیك و نیازبیگ

ناحیه ششم: شامل دارالامان، دشت برچي، قلعه شاده، باغبانان.

ناحیه هفتم: شامل جنگلك، وایصل آباد، و تخنیکم جنگلك.

ناحیه هشتم: شامل کارته نو، رحمن مینه و سید نور محمد شاه مینه الی بگرامی.

ناحیه نهم: شامل عمرانات مجاور بی بی مهرو میدان هوائی کابل.

ناحیه دهم: شامل قلعه فتح الله، تایمنی و تعمیرات مجاور آن.

ناحیه یازدهم: شامل خیرخانه (در سه قسمت) حصه اول، حصه دوم، حصه سوم.

امور صناعتی: توام با انکشاف تکنالوژی صنایع محلی

و حرفه های شخصی تدریجاً با صنایع انکشاف یافته عوض گردید، و در نقاط مختلف شهر جا بجا گردید، بطور مثال دستگاه صناعتی جنگلك، فابریکه حجاری و نجاری، پارك صناعتی پلچرخی، دستگاه سیلوی مرکزی، فابریکه های نساجی، گوگردسازی، چینی سازی، صنایع مشروبات غیر الکهولی، صنایع بوت سازی، پلاستیك سازی، قالین بافی و غیره که تفسیر آن درین مختصر نمی گنجد، اما این نوع صنایع توانست که شیوه های پارینه قرون وسطایی را به شیوه تولید معاصر مبدل سازد.

امور تجارتی:

مرکز تجارتی (CBD) که میتوان آنرا به اصطلاح Down Town هم یاد کرد، بین پل خشتی، پل باغ عمومی، جاده میوند الی سینما پامیر و سینما آریانا و شاروالی کابل بطور متراکم احراز موقعیت کرده، کلیه تولیدات و فروشگاه های بزرگ درینجا واقع شده، بزرگترین مرکز داد و ستد تجارتی را تشکیل میدهد. در کابل امور تجارتی به اساس نورمهای واردات و صادارات جنس، تجارت بارتری و تادیات محصولات گمرکی تحت تعامل بین المللی استوار گردیده که نیاز به تغسیر مزید دارد.

مؤسسات خدمات اجتماعی در شهر:

در جمله خدمات اجتماعی مؤسسات بغرض تأمین مواد

اولیه، انرژی و برق بغرض تسخین و تنویر امور صناعتی و ترانسپورتی، سرویسهای شهری، ترولی بس و مؤسسات عرفانی و فرهنگی انکشاف قابل ملاحظه کرده است، مراکز علمی، مکاتب، و لیسه ها، انستیتوت های طبی و تخنیکی، پوهنتون، مؤسسات امنیتی و تجارتی، نشراتی ، تبلیغاتی و رسانه های جمعی از نشرات کتبی الی رادیو و تلویزیون در مرکز کابل بوجود آمد. تفریحگاه و پارك های وسیعی احداث گردید، در هر یك از اجزاء و شبکه های شهری ترانسپورت برای همشهریان فراهم گردیده و بهتر خواهد بود که متناسب به تعداد نفوس کلیه احتیاجات عامه و مؤسسات خدماتی بوجود آید تاهر جزء شهر بتواند نیاز مردم را مرفوع سازد و بدیگر ناحیه شهری احساس احتیاج نتواند. بجز از مؤسسات بزرگ که نقش اولی را در سازمان دهی اجتماعی، خدماتی و تجارتی دارد، دیگر مؤسسات خورد خدماتی تا حد امکان در تمام اجزاء شهری بوجود آمد و یا در حال بوجود آمدن میباشد. همه موقعیت این موسسات و مراکز خدماتی باید در یکنقشه رهنمای شهری گنجانیده شود تا تمام همشهریان به آسانی به آن دسترسی یافته بتوانند.

نفوس شهر کابل:

بنا بر وسعت و انکشاف پلان شبکه شهری نفوس شهر کابل افزایش قابل ملاحظه یافته است، پلان پیش بینی شده نفوس شهر کابل در سالهای ۱۳۴۳، ۱۳۵۱ و ۱۳۶۶ هـ ش

به ترتیب ذیل در نظر گرفته شده بود.

۱. نفوس شهر به اساس ماستر پلان شهری در سال ۱۳۴۳ به تعداد ۳۸۰ هزار نفر پیش بینی شده بود.

۲. نفوس شهر به اساس ماستر پلان شهری در سال ۱۳۵۱ به تعداد ۵٦۰ هزار نفر پیش بینی شده بود.

۳. نفوس شهر به اساس ماستر پلان شهری در سال ۱۳٦٦ بهٔ تعداد ۸۰۰ هزار نفر پیش بینی شده بود.

اما تغییراتیکه بعداً در ماستر پلان شهری در نظر گرفته شد، توسعه شهر را به مقیاس وسیع تر آن الی خیرخانه و بگرامی و دوراهه پغمان در نظر گرفتند، نفوس شهری را در سال ۱۳٦٦ هـ، ش به تعداد (۱,۱۴۰,۰۰۰) نفر بیش بینی کرده بودند. اما در سرشماری ماه قوس ۱۳٦۵ به تعداد ۱,۸۰۰,۰۰۰ نفر وا نمود گردید، که نظر به احصائیه پیش بنیی شده در حدود (۷۰۰,۰۰۰) نفر در ماه قوس ۱۳٦۵ نظر به نورم و تناسب رقبه شهری اضافه تر به نظر رسید، که این رقم در سال ۱۳٦٦ واضحاً رقم بیشتر را وانمود میسازد. این افزایش سریع بدون شك بالای تهیه مسکن، مواد ارتزاقی، قیمت مواد، کمبود انرژی، برق، حتی تراکم فعالیت های ترانسپورتی و سایر خدمات اجتماعی اثر نادرستی از خود بجا میگذارد.

علاوه بر آن در اطراف کابل خاصتاً در محل ورودی شهر محورهای مهاجرت از اطراف و ولایات کشور باعث افزایش نفوس گردیده که خصوصیات کلتوری و محیطی همان

سمت را تمثیل میکند، بطور مثال در شمال شهر کابل بیشتر از صفحات شمال کشور و در سمت شرق کابل از ولایات شرقی، در سمت جنوب از صفحات جنوب و در سمت غرب شهر کابل تعداد کثیر نفوس از ولایات غربی کشور بمشاهده میرسند، که این محورها به مرور زمان در دیگر نقاط شهر جا بجا شده و مسئله آمیزش اجتماعی را در سایر نقاط شهر مساعد میسازد.

در اثر افزایش جمعیت در شهر کابل پیوندهای قبیلوی تا حدی به پیوند های اجتماعی و شهری مبدل میگردد، نوع ارتباطات در بین فامیلها از شیوه قدیمه به حیات اجتماعی معاصر ارتقا جسته، اشخاص بیشتر به محیط کار، حرفه و مشاغل خود پیوندهای اجتماعی خود را مرتبط میدانند تا باریشه های قبیلوی و عنعنوی شان.

اجزای شهری کابل قدیمه:

۱- ده افغانان:

جوی شیر، نخاس، شاه دو شمشیره، کوچهٔ اندرابی، اندرابی، سرای گادی خانه، سرای روغن، حوض مرغابی ها، سرای قالین، کوچهٔ سکهـ بچه ها، سید جعفر، سر آسیاب، بالا کوه، قول آبچکان.

۲- خیابان:

کوچهٔ خیابان، کشمش فروشی، سرای عبدالرحمن خان، نغاره خانه.

۳- مراد خانی:

زیارت حضرت عباس، پل یك پیسه گی، موچی پرك، کوچهٔ مرده شوی.

۴- سر چوك:

چار چته، کهنه فروشی، پایان چوك، ریکاخانه، کتابفروشی، سراجی، کاه فروشی، بوریا فروشی، سرای محمدقومی، باغ علی مردان، کوچهٔ علی مردان، سرای شعبه، خوابگاه، پل مستان، شانه سازی.

۵- شور بازار:

بالاحصار، صدر بازار، دروازهٔ لاهوری، تخته پل، هند و گذر، پیزار دوزی، کوچهٔ چقرك، آهنگری، تنور سازی، بارانه، شتر خانه، انار فروشی، بازار رکاه خانه، بازار سراجی، کوچهٔ علی رضا خان، بابای خودی، باغ نواب، خرابات، درخت شنگ، کوچهٔ داکتر قاسم، حمام کجاوه، حمام شتر خانه، محله سپورت سوار، چوب فروشی، جندهٔ غازی خان، جندهٔ سردار جان خان.

٦- چنداول:

باغ جهان آرا، سر کاریز بالا جوی، قلعه هزاره ها، قرتا، کله خورها، سه دکان، باغ قاضی، پخته فروشی، باغ نواب، سر گندنا.

پرابلمهای آنوقت:

توام با توسعه روز افزون شهر کابل پرابلمها و نواقصی

هم پدید آمده که در زمینه مختصراً به آن اشاره میکنم:

۱. مرکز شهر که مرکز معلامات بزرك تجارتی (CBD) میباشد. از لحاط طرز استفاده شهری با مشکلات زیادی مواجه بود، زیرا محلات تجارتی، اداری و محیط زیست شخصی تقریباً بهم آمیخته بود، دوران ترافیك به عطالت مواجه بود، ساحهٔ رفت و آمد در معاملات یومیه تا حدی محدود و ضیق ساخته شده بود، بهتر خواهد بود که درین ساحه وسعت جاده ها و دوران ترافیك در نظر گرفته شود و تنها معاملات تجارتی درینحصه متمرکز گردد. موجودیت عمارات شخصی درینجا مغایر نورمهای شهری است، از سینما پامیر الی جاده میوند و به دو استقامت دریای کابل الی پل خشتی سینما آریانا و ساحه پلازا محلات زیست به منظور خانه های نشمین اوصاف هسته شهری را برهم میزند، چهل فیصد رقبه شهری درینجا باید ساحه گشت و گذار و دوران ترافیك باشد، تا مردم به فراغت در معاملات خرید و فروش یومیه سهم گرفته بتوانند.

موازی به جاده میوند در امداد سرك مندوی، باید سرك عریض و معاصر اعمار گردد، و به همین ترتیب از شمال به جنوب در فاصله های دو متری سرك های الحاقیه با سرك مجاور دریای کابل به استقامت فروشگاه، پلازا و پل باغ عمومی و آسه مایی وات اعمار گردد.

۲. نبودن سیستم کالیزیشن و عدم توجه درینمورد بر

پرابلمهای صحی و خرابی تنظیفات شهر می افزاید، این نقصیه بر آب های تحت الارضی اثر ناگوار داشته، در آلودگی آب، هوا و شیوع امراض رول مهم دارد.
مجرای آبرفت در کنار سرك ها و بطور صحی تحت ساختمان نیامده و یا کاملاً مسدود میباشد، که در وقت بارندگی اکثراً جاده ها به تالاب مبدل میگردد. تمدید بعدی کیبل ها در شهر باز هم باعث خرابی وضع عمومی ساختمان شهری می گردد و از نگاه ترانسپورت و مصارف ترمیم بر بودجه دولت زیان آور است.

۳. سیستم دوران ترافیك شهری در اکثر حصص شهر با انقطاع ترافیکی مواجه است، مثلاً آمدن از کارته پروان به شفاخانهٔ علی آباد و پوهنتون و یا به کارته سه که مشکلات زیادی درین بخش وجود دارد، و یا آمدن شخصی از پولی تخنیك به مرکز میرویس میدان که دو استیشن علیحده شهری را احتوا می کند. و وقت زیادی را دربر میگیرد. بهتر خواهد بود که سرویس های برقی به شکل دورانی تنظیم گردد تا به شکل ناحیوی و دو مرحله یی.

۴. بنا بر نبودن کمربند سبز و عدم اشجار کافی در کنار جاده ها خشکی اقلیم بیشتر محوسس بوده و باعث آلودگی هوا و گرد و خاك در نقاط مختلف شهر می گردد.

۵. نمره بندی کوچه ها، و جاده ها، مطابق به نورمهای شهرهای معاصر در نظر گرفته نشده، جاده ها باید شرقاً - غرباً و شمال - جنوب به سیستم حروف و ارقام کواردنیت های محلی

همان حصه شهر را تمثیل نماید در هر انجام و تقاطع جاده های خورد و برزگ شکل نمره بندی کوچه ها و خانه ها باید در روی لوحه های فلزی بحروف درشت نوشته شود، تا از لحاظ ترافیکی و پوستی تثبیت محلات بدرستی صورت گرفته بتواند.

۶. اعمار کودکستانها، مارکیت ها و موسسات اجتماعی در هر بخش شهر لازم است تا متناسب به تعداد نفوس در نظر گرفته شود.

۷. مغایر ماستر پلان شهری اعمار منازل در نقاط مختلف شهر سیستم نامنظم را در شبکه شهری بوجود آورده و ازماهیت شهرهای معاصر آنرا دور می سازد، مثلاً منازل اعمار شده قلعه موسی، دشت برچی، قلعه شاده و سایر محلات کابل که تخریب و تنظیم بعدی آن مشکلات زیادی را با خود همراه دارد.

۸. مراکز پوستی و مخابراتی در نقاط مختلف شهری با پوست بکس ها بایست تسهیلات مردم را فراهم سازد.

کابل امروز و ماجراهای تلخ آن

در طی دو دهۀ اخیر خاصتاً از ثورسال ۱۳۵۷ باینطرف رویداد های کابل، قصه های پر ماجرا و دلخراش آن، داستهانهای تلخ توام با ناامیدیها و بدبختی های آن در چار دیوار خانه ها، در کوچه ها و بازار ها و کلیه ابعاد شهری بر سر و روی مردم ابر تیره و سیاه طوفانزا را پخش کرد که این مایوسیت های همه جانبه و رقت بار اکثراً شامل تاراج، دست برد و یغمای کلیه متاع زندگی وپدیده های فرهنگی میباشد و در هر بخشی از مسایل کلتوری چه در شیوه رسوم و عنعنات ملی و محلی و چه در محرمیت های ناموس داری و افتخارات تاریخی، امور صناعتی، دست آوردهای تجارتی، اداری، علمی تمامی مؤسسات و مراکز فرهنگی اثرات ناگوار بجا گذاشت و بر مردم اصیل و با فرهنگ شهر و کشور ما سخت بیداد روا داشت، تمامی بود و نبود مردم را از بین برد و در سراب سوزان و کوره راه های مصیبت بار آنها را جا داد.

اثرات ناگوار این جنگ های خانمان سوز بر کلیه مؤسسات فرهنگی همچو انستیتوت ها، پوهنتون ها و حتی مراکز مذهبی و اماکن مقدسه صدمه بزرگ و جبران ناپذیر

پیکرهٔ زیبای شهر تاریخی کابل وارد آورد، در نتیجه شهر کابل در ابعاد مختلف جنگ های تحمیلی به خراب ترین حالت و به اسفناك ترین وضع سیمای یك مخروبه، توده خاکستر را اختیار کرد و به یك ویرانه وحشت آور مبدل گردید. همانطوریکه شهر غلغله در بامیان توسط چنگیز به یك خاك توده مبدل گردید، همین اکنون وضع عمرانی کابل بیش از شهر غلغله چیزی دیگر را تمثل کرده نمیتواند. این شهر زیبا که دارای پارك ها، سرك های منظم اسفالت شده و بازارهای پر سر و صدا، مکاتب و مراکز کلتوری و صناعتی بود اکون خاموش و بی صدا بوده باشندگان آن شبیه کالبدهای متحرك دور از هر نوع شور و شعف و فاقد هر نوع توان مالی که تبسم در لبان شان و اشك در چشمان شان خشکیده است روی جاده های مخروبه سرگردان اند. بدبختی های پرماجرای کابل و قصه های دلخراش و روز های فلاکت بار مردم رنجدیده و داغدار آنرا حتی عفت قلم نمیتواند بیان کند. "آسمان بار امانت نتواند کشید، قرعه فال بنام من دیوانه زدند." درین بخش و درین مقطع زمانی مراحل ناگوار آنرا خیلی فشرده از نظر میگذرانیم و امید است که دانشمندان و قلم به دستان کشور ما طی داستانهای کوتاه گذارشات فاجعه بار آنرا جسته جسته بنویسند و عمال تخریب کارانرا بهتر معرفی و آشکار سازند.

در دوره سیاه کمونزم ثور ۱۳۵۷ با صدور فرامین غیر منطقی که کاملاً ضد عنعنات ملی و اسلامی بود آغاز بد بختی ها برای مردم افغانستان و در مرحله نخست برای مردم

کابل و ولایت کابل محوسب گردید. فرامین نابجا و مغایر شئون اجتماعی و اخلاقی همچو فرمان اصلاحات ارضی، فرامین سواد اموزی و مهر اجباری در کلیه مؤسسات و نواحی شهری انعکاسات بس شدید و نا درستی از خود بجا گذاشت که از جمله عوامل بس مهم و تحریك کننده اذهان عامه تلقی گردید. با صدور فرمان اصلاحات ارضی مردم زمین دار کابل در تناقص با سایر دهاقین و کارکنان دولتی قرار گرفت. در کابل زمینداران بزرگ بصورت دسته جمعی و یا انفرادی بامخالفت و تهدید دولت مواجه شدند، بطور مثال در قلعه قاضی چاردهی بنا بر سعایت اعضای اتحادیه صنفی زنده در زیر گل و آوار پلچرخی قرار گرفت، همچنین در چاردهی کابل، قلعه فاضل بیگ، نیازبیگ، دارالامان، ده دانا، چهلستون، دهسبز، بگرامی و شیوه کی زنده بگور کردن و در گودالها انداختن موسفیدان و زمینداران متنفذ یك امر حتمي و لا بدی محسوب میگردید.

با تطبیق این فرمان اجباری در هر ولایت دست زمینداران از ملکیت مشروع شان بیرون کشیده شد، و عکس العمل آن برای نظام کمونزم در کابل یك پدیده جبران ناپذیر بود که زمین داران ترك دیار و محل کرده راه سفر را در کشورهای دور و نزدیك در پیش گرفتند.

فرمان سواد آموزی اجباری در بین طبقه اناث و دختران جوان افتضاح دیگری را برای مربیان کمونیزم نیز به بار آورد، زیرا این فرمان باعث آزار و ازیت دختران باعفت گردید و

منافی عزت اکثر فامیل های متدین و صاحبان رسوخ گردید. بهمن ترتیب مهر مقید به سه صد افغانی و نکاح اجباری بدون قید و شرط سبب شد که رضایت و اراده والدین سلب گردد و مغایر روحیه والدین امور ازدواج دختران انجام داده شود. به همین ترتیب ثبت و راجستر اماکن شهری که یك شخص نباید مالك دو حویلی باشد نیز تهدید کلی به صاحبان منازل شهری تلقی میگردید. رفتن اجباری در سازمان جوانان و اعطای امتیازات تنها به هواخواهان کمونیزم سبب بر انگیختن قیام کلیه مردم افغانستان و شهر کابل گردید. این اعمال ضد ملی و ضد اسلامی آهسته آهسته سبب قیام دسته جمعی شهریان کابل شد، دختران دستمالهای سر شان را دستار در سر بستند و قیام دلاورانه را علیه نظام کمونزم راه انداخته، بالاخره در حوت ۱۳۵۸ قیام همگانی و دسته جمعی همشریان کابل در نواحی مختلف شهر سازمان داده شد که تعداد زیاد مردم دیندار و مسلمانان با دیانت در مقابل سیلوی مرکزی، سپین کلی، چارراهی ده بوری، کارته چار، پل هارتل، و دارالامان طور رویا روی هدف مرمی قرار گرفتند و جام شهادت نوشیدند، این عمل در پوهنتون کابل باعث تظاهرات عظیمی گردید که دولت آنوقت مجبور به تعطیل پوهنتون گردید و از همان تاریخ به بعد همه ساله ۳ حوت به حیث یك روز پر ارج تاریخی توسط نهظت های ملی در کلیه شهرهای أفغانستان و بالاخص در شهر کابل تجلیل میگردد و با صدای الله اکبر مردم کابل را به قیام ملی دعوت میکردند. با عملی شدن این

پروگرام مردم کابل یك پارچه و با یك آرمان مقدس صفوف شکست ناپذیری را بوجود آوردند، بالاخره با شهادت هزاران هموطن مردم کابل توام با مؤسسات تعلیمي و فرهنگی تحت فشار و شکنجه سیاسي قرار گرفتند.

تعلیمات با روحیه مادیت در صنوف مکاتب و پوهنتونها تدریس می شد که شاگردان و استادان را علیه خود بر انگیخت. همان بود که نهضت های ملی در بین محصلان پوهنتون، انستیتوتها و مکاتب به مقیاس وسیع به فعالیت آغاز کرد و در هر یك از مراکز علمی تظاهرات خیابانی راه انداخته شد و دروس را تحریم کردند. ازین وقایع به بعد فشار سیاسي و اجتماعی بالای شهروندان کابل بیشتر گردید و بصورت انفرادی تك تك محصلان و همشهریان متنفذ و برجسته در زندان انداخته شدند و راه فرار و بیرون شدن ازکابل را بر آنها مسدود ساختند.

مردم کابل مانند اسرای جنگی در بین کمربندهای دفاعی حفاظت می شدند و هیچ فردی نمیتوانست ازین کمربند ها خارج شود. افرادیکه میخواستند ازین حلقه های محافظوی خارج شوند حتماً در یکی از کمربند ها بدام می افتاد که به قیمت جانش تمام می شد. جوانانیکه در سن بلوغ میرسیدند گروپهای جلب و احضار آنها را تهدید میکرد و آنانیکه از خدمت عسکری فرار میکردند بخاطر این کمربندهای دفاعی گاه گاهی زندگی خود را ازدست میدادند و اگر از تصادف بخت به او یاری میکرد میتوانست که راه

فرار را در پیش گیرد و خود را از مضیقه گروپ های جلب و احضار نجات دهد. در سالهای اخیر ۱۳۶۵ -۱۳۶۷ تحریم اقتصادی کشورهای غرب و همسایه عرصه زندگی را بر مردم کابل تنگ تر ساخت، قیمت اموال در بازارهای شهر صعود کرد که در نتجه فامیل های بی بضاعت و ناتوان قدرت خرید متاع یومیه زندگی را نداشتند و حتی یك قرص نان خشك را برای خویش تدارك نمیتوانستند، ازین لحاظ اکثریت مردم راه فرار و بیرون رفتن ازشهر کابل را در پیش گرفتند و قسمت اعظم نفوس کابل به کشورهای همسایه و کشورهای غرب با انواع مصایب و آلام راه سفر را اختیار کردند، قسماً در کمپ های ثمرخېل، کمپ های سرشاهی ننگرهار و کمپ های پشاور جا بجا شدند و زندگی قرون وسطایی را به اجبار تحمل کردند، از جانبی هم بهٔ حیث قوای بزرگ بشري برای آبادی دیگران عنصر مهمی را تکشیل دادند، اما خود آنها با انواع مشقات در تمام عرصه های زندگی مواجه گردید و با قیمت ویرانی کابل، کشورهای همسایه ما آباد گردید.

موضوع جلب احضار جوانان و استخدام آنها در جبهات جنگ بر ضد مجاهدین وقت برای فامیل های کابل خیلی گران تمام می شد، بنا چار جوانان کابل برای مدتی در خانه ها و جاهای مخفی خود را پنهان میکردند تا آنکه روزنه فرار برای شان فراهم می شد و با اندك ترین فیصدی که راه خروج از کابل را سراغ میتوانستند با قبول همه زحمات و مشقات از شهر خارج می شدند و با برادران خویش در پشاور و جبهات

گرم می پیوستند.

موضوع جلب و احضار ساحه زندگی متعلمین مکاتب و محصلین پوهنتونها رانیز در مضیقه قرار داده بود، به این مفهوم که محصلین و متعلمین در سنین هفده و هجده هنگامیکه در امتحانات صنفی خویش ناکام می شدند به مجرد اعلان نتایج به عسکری سوق داده می شدند، که این موضع محصلین و متعلمین را در جریان به امتحان در دوراهه خوف و امید، کامیابی و ناکامی قرار می داد، بناچار محصلین و متعلمینیکه از امتحانات خویش مطمئن نبودند، راه فرار را به کشورهای مجاور و خارج مرجح قرار میدادند بر خلاف آنعده محصلین و متعلمینیکه بر خواست زمان و ارزوی های حکومت قرار میداشت در پوهنځی های آمادگی و کارگری و پوهنځی های دلخواه خود بخوبی شامل شده میتوانستند. این نوع عدم تساوی حقوق ساحه تعلیمی جوانان را در کابل با شرایط ناگواري مواجه ساخت و برای هر يك از افراد جوان و فامیل های شان زمینه مسافرت را فراهم می گردانید، تا آنکه نیروی بشری علمی، و قشر پر تحرك مردم کابل از عرصه تعلیم و ساحه مکاتب، پوهنتونها و سایر مشاغل اساسی تدریجاً دوری جستند. اهل کسبه، تاجران، مامورین ملکی، علماء، استادان و دانشمندان و قلم بدستان پر توان مؤسسات علمی شهر کابل را ترك گفتند و زمینه انحطاط فرهنگی و علمی، تجاری و صناعتی آهسته - آهسته در کابل سیر نزولی خود را اختیار کرد که در نتیجه فرو پاشي و سقوط فرهنگی در کابل مسلط

گردید.

فرار این کتله دانشمندان و جوانان پر تحرك در پشاور زمینه بوجود آوردن پوهنتونهای دعوة الجهاد، احمد شاه ابدالی، و سید جمال الدین را پایه گذاری کرد و موازی با انحطاط معارف مکاتب نسوان و ذکور مماثل مکاتب کابل تحت عین نام در پشاور طرحریزی گردید.

- عامل دیگر در فرار مردم از کابل فقر اقتصادی، حد اقل عاید شبا روزی مردم بود، زیرا کنترول جدی براه های ورودی بکابل در ساحه نغلو، میدان و پل علم سبب شد که امتعه و مواد اولیه ضروری بکابل نرسد، خاصتاً تیل، برنج روغن و آرد از راه های مختلف و توسط نیروهای مختلف جهادی به کابل ممانعت می شد. ازین سبب تعداد زیاد فامیل های شهر که در سرمای شدید زمستان حوصله زنده گی را نداشتند به استقامت جلال آباد و پشاور حرکت کردند و راه مهاجرت را در پیش گرفتند. در یکی از زمستانهای سال ۱۳۶۷ سردی هوا و فقدان مواد غذایی به حدی مردم را در مضیقه قرار داد که چندین طفل خورد سال در پای دیوار خبازیها بنابر برودت و سردی هوا منجمد شده حیات خود را از دست دادند.

- دوام جنگ و آوردن فشار بر حکومت کابل از سمت غرب و جنوب باران راکت را بر مردم مستضعف کابل وساحات غیر نظامی هم فرو ریخت. از سمت پغمان تمام تأسیسات دولتی، مراکز علمی، صناعتی، تجارتی و نظامی تحت

رگبارهای راکت قرار میگرفت، و بهمین ترتیب از ساحه چار آسیاب ضربات شدید راکتی بر نواحی جنوب کابل، کارته سه، کارته چار، جمال مینه، خوشال مینه، ده دانا، چهلستون، دارالامان، وارد می آمد که این موضوع باعث حریق اکثر منازل کشتار و شهادت هزاران هزار فرد هموطن و مردم کابل شد که این موضوع فکتور خیلی مهم در فرار مردم از خانه و کاشانه شان محسوب می گردد. مردم با امکانات خیلی محدود با وسایل خیلی ناچیز در جلال آباد، کمپ سرشاهی، هده، دوراهه سرخرود و کمپ های پشاور جابجا شدند، و بازنده گی پر از درد و رنج در دیار مسافرت روزگار تلخ و تیره را سپری کردند.

در مراحل اخیر روزگار حکومت دوکتور نجیب الله بطور آشکار درز و انشقاق برزگی در اورگان کمیته مرکزی به اصطلاح حزب وطن رونما گردید.

دوکتور نجیب الله که میخواست به میدان هوایی کابل خود را برساند و از آنجا رهسپار هند گردد در میدان هوایی با موانع مسلحانه مواجه گردید، از میدان هوایی واپس عزیمت کرد و در بازگشت به ملل متحد پناه برد و در انجا خود را تسلیم داد.

عوامل زیادی در مورد انشقاق کمیته مرکزی وجود دارد، که از آنجلمه انحصار توزیع زمین در کندوز، بغلان و مزار شریف می باشد. از همین جا خلای بزرگ سیاسی و اداری بین اعضای کمیته مرکزی بوجود آمد، و از آن به بعد حکومت دوکتور نجیب الله مراحل سقوط دایمی و قطعی خود را پیمود.

انحطاط حکومت نجیب الله با فروپاشی نظام کمونزم همزمان بود و اصلاً فرو پاشی نظام کمونزم با اوج حملات مجاهدین وقت به افغانستان تحقق می پذیرد.

مجاهدین افغانستان و فروپاشی کمونزم:

مجاهدین وقت را که ایالات متحده امریکا، کشورهای همسایه و کشورهای اسلامی تمویل و تقویت میکردند، توانستند به یمن قدرت مجاهدین افغان صفوف کمونزم و مجهزترین عساکر وقت شوروی را در کابل، هرات، صفحات شمال، پنجشیر، پروان، وردك، میدان، لوگر، ننگرهار، پکتیا، و خوست و سایر محلات و بلاد مهم افغانستان به شکست های فاحشی مواجه سازد، همان بود که قوای شوروی مجبور به ترك افغانستان شد، و حدت المان شرق و غرب تامین گردید. کوریای شمالی و جنوبی به تفاهم پراختند، ویتنام شمالی و جنوبی به کشور واحد مبدل گردید، وجنگ سیاره گان اصلاً بنیاد اقتصادي و مالی اتحاد شوروی سابق را به خاك یکسان ساخت و بودجه مالی اتحاد شوروی که محض روی پلانهای قبلاً تنظیم شده پیشبینی می شد، باکسرات زیاد و هنگفت مالی مواجه گردید و شوروی دیگر توان آنرا نداشت که در برابر قوا و نیروی بزرگ اقتصادی و سیاسي ایالات متحده بیش ازین مقاومت نماید، خاصتاً که منطق اقتصادی و پروگرامهای کیهانی شوروی را گرباچوف نتوانست در برابر پالیسي اقتصادی و سیاسي امریکا تبرۀ نماید، بناچار رخنه بزرگ در

نظام شوروی پدید آمد و با کناره گیری گرباچوف نظام کمونزم با اقمار آن از هم فروپاشید، هر ایالت به کشورهای مستقل مبدل شد و اقمار آن در شمار کشورهای ازاد هر کدام هویت سیاسي خود را احراز کردند، در کنار بحیره بالتیك در آسیای میانه و اروپا تحولات سیاسي بزرگی رونما گردید، اینهمه تحولات سیاسي در ابعاد مختلف مرهون زحمات و پیکار خسته گی ناپذیر مجاهدین وقت بود که در ساحه بین المللی از یکسو باعث ازادی افغانستان شد و از جانبی باعث فروپاشی اتحاد شوروی گردید و بحیث کل بشریت را از فاجعه کمونزم نجات داد.

ورود مجاهدین به کابل:

بتاریخ ۸ ثور ۱۳۷۲ مجاهدین بصورت تازه دم به کابل رسیدند، آمدن مجاهدین بکابل قسماً باتفهمات قبلی بینن سیوان نمایندهٔ ملل متحد و جناحهای مختلف حکومت نجیب الله توام بود. در کابل قوای حزب اسلامی تمام مراکز ثارندوی، وزارت دفاع و وزارت امور داخله را در همان شب اول در اختیار داشتند، اما بعدتر نیروی شمال بر کابل چیره شد و جنگ های خانه بخانه در هر کوچه و بازار کابل شیوع یافت و کابل زیبا بار دیگر تخریب و ویران گردید. بعداً جمعیت در کابل تسلط پیدا کرد، اما تدریجاً درزها و انشقاق گروپ های جهادی روز بروز فزونی گرفت.

خاصتاً موقعیکه گروپ جنبش در بالاحصار و تپه مرنجان، گروپ حزب اسلامی در جنگلك و کوه شیر دروازه و بعد تر در چار اسیاب مستقر گردید و گروپ وحدت در پوهنتون کابل، پولی تخنیك و علوم اجتماعی جابجا شد، سبقت یك گروپ بر گروپ دیگر سبب شد که کامل صحنه جنگ رویا روی قرار گیرد و در هر کوچه در اثر برخوردهای مسلحانه قسمتی از شهر ویران گردد، همان بود که در اثر نبردهای متواتر و رگبارهای راکت و بمباردمان قسمت اعظم شهر تخریب شد و به ویرانی مواجه گردید. در نتیجه این جنگها پوهنتون کابل چندین بار آتش گرفت و ویران شد، پولی

تخنیك دگرگون گردید و علوم اجتماعی هدف راکت های قرار گرفت که چهره و سیمای اصلی خود را از دست داد و بالاخره نه کتاب، نه شاگرد و نه استاد درین مراکز مقاومت نتواسته، مراکز علمی، اداری، تجارتی، اقتصادی، و مارکیت های شهر همه تاراج و ویران و به انحطاط کلی مواجه گردید. نفوس شهری از خو شحال خان، کارته سه، کارته چار، جادهٔ میوند، بالاحصار کارته شاه شهید، کارته نو و قلعه زمان خان تماماً از سر پناه و کاشانه خویش مهاجرت کردند و قسمت عمده غربی جنوبی و شرقی شهر به ویرانه و خاکستر مبدل گردید، در نتیجه آزادی کشور و کابل از دست نظام کمونزم در اثر مداخله اجانب و عاقبت نااندیشی و عدم اتحاد و اتفاق به یأس و ناامیدی مردم مواجه گردید، باشندگان اصلی شهر تقریباً تماماً زادگاه و محل سکونت خویش را ترك کردند و راه دیار هجرت و مسافرت را در پیش گرفتند. بعد از ترك گروپ های جهادی شهر کابل بیش از ویرانه ئی بجا نماند. مراکز علمی، فرهنگی، اداری، تجارتی و صناعتی همه و همه به باد فنا گرفته شد و به آن همه عظمت شکوه وجلال کابل خاتمه داده شد. گروپ های جهادی نتوانستند از در مسالمت در اداره و انتظام شهر و کشور خویش موفق شوند، آهسته آهسته زمینه بازاریابی برای بیگانگان و دیگران فراهم شد. مردم و پشتوانه اقتصادی کشور بدست همسایگان افتاد، در نتیجه عزت و ناموس ازادی و وحدت کشور و تمامیت ارضی آن اکنون جداً تحت سوال می آید.

بعد از آنکه مجاهدین در نیمه سال ۱۳۷۵ کابل را ترك گفتند تحریك طلبه ها بر کابل مسلط شد اما درین برهه زمانی کدام تخریب و آسیب فزیکی بر کابل مستولی نگردید، منتها برمبنای شریعت محمدی مکاتب نسوان تعطیل گردید، هواخواهان گروپ های جهادی که در نقاط مختلف شهر دارای خانه و منزل بودند، بنا بر تضادهای سیاسي کابل را ترك کردند که این انگیزه باز هم سبب شد تا تعداد زیاد شاگردان، محصلین، استادان ومردمان شهری راه فرار و یا راه هجرت را در پیش گیرند، باین اساس نفوس شهری و محلات تجاری و نواحی مختلف آن مرحله به مرحله تخلیه گردید، که امروز به جز از یك تعداد مردم انگشت شمار دیگر در شهر کابل مردمان اصلی آن را سراغ کرده نمیتوانیم.

فقر و بیچاره گی های مردم کابل

وقتی انسان بخواهد، بیچاره گی ها و هردم شهیدی های باشنده گان کابل را در زبان قلم در آورد، و یا آن را تمثیل کند موی در بدن انسان راست می شود، وگاهی هم عفت قلم اجازه نمی دهد و گاهی هم جرئت نویسنده گی را از انسان سلب می نماید و آن هم باین خاطر که:

آتش از خانهٔ همسایهٔ درویش مخواه
آنچهٔ از روزن او میگذرد دود دل است

الحق، اگر در ویرانه های جنگ زده کابل از قبیل خوشحال مینه، کارتهٔ مامورین، ده بوری، کارتهٔ چار، دو طرفهٔ سرك دارالامان، گذرگاه، جادهٔ میوند، شاه شهید، کارتهٔ نو، ساحهٔ بالاحصار، چمن حضوری، مکروریان اول و امثال آن انسان عطف توجه نماید اینجاها در بین بعض از نیروهای درگیر خط مقدم جنگ را تشکیل میداد و در اثنای درگیری فامیل های که خود را کشیده نمی توانستند، فیصدی بیشتر آنها جان و مال خود را از دست میدادند، که در نتیجهٔ حریق و آتش سوزی نه تنها لانه و کاشنه شان فرو میریخت بلکه جسم و روان شان منحیث هیزم جنگ میسوخت، دود و آتش آن

ساعات طولانی هوا را تیره میساخت و آنچه در ویرانه های جنگ زده کابل میگذشت همان روح و روان شخص بود وهمان جسم بیدفاع او که براو چه میگذشت و چطور توان تحمل آن را داشت، زنان و مردان مسن قادر به فرار نبودند، اطفال کوچك و صغیر و بیوه زنان اکثراً در رگبار آتش جبهۀ جنگ قرار میگرفتند که راه نجات بر آنها به هیچگونه میسر نبود.

قضا دیگر نشود با هزار ناله و آه
که به شکر یا به شکایت برآید از دهنی
فرشته که وکیل است بر خزاین باد
چه غم خورد که بمیرد چراغ بیوه زنی

درین جنگهای خانمانسوز هزاران چراغ بیوه زن خاموش شد، و هزاران زن بیوه و هزاران طفل یتیم گردید، مشکلتر آنکه از یك ناحیۀ شهری به ناحیۀ دیگر شهر در جنوب کوه علی آباد و آسمه مایی، ساحۀ جادۀ میوند و بالاحصار مجال عبور و مرور به درستی میسر شده نمیتوانست.

بیچاره زنانیکه میخواستند، بغرض خریدن و بدست آوردن چند قرص نان از قلعه واحد و یا ده بوری به سوی پل سوخته بروند چه مزاحمت های نبود که بر آنها مستولی نمیشد.

و یا یك تعداد بیچاره زنانیکه بطور انفرادی و یا دسته جمعی بسوی چار آسیاب میرفتند تا مقداری آرد، روغن و تیل خریداری کنند و یکی دو شب خود را توسط آن سپری نمایند و یا جوانان بایسکل سوار که از ساحه چار آسیاب مقدار ناچیزی از مواد اولیه را خریداری کرده برای زنده ماندن فامیل

خود به کابل میآوردند در طول راه با چه تعداد قرارگاه های افراد مسلح مواجه میشدند و چه نوع روش بانها صورت میگرفت خاصتاً اگر تبادله آتش بین نیروهای درگیر بوقوع میپیوست، چه ماجراهای هولناك و وحشتناك به این زنان و جوانان بیچاره صورت میگرفت، اینجاست که عفت قلم از توضیح آن عاجز می ماند.

یك تعداد فامیل های که از ساحات جنگ زدهٔ کابل خارج شدند، موقتاً در پغمان و پروان و اطراف کابل اقامت گزیدند و بعداً راهٔ مهاجرت را سوی جلال آباد و پشاور در پیش گرفتند. با نداشتن پول کافی و لباس مناسب چه شب ها و روزهای تلخ و ناگواری را سپری کردند، در کمپ های مختلف جلال آباد در کمپ های پشاور شب ها و ورزهای سوزان را با آه و درد گذشتاند، بنا بر فقر و بیچاره گی بازدواج های اجباری و فروش اطفال تدریجاً تن در دادند، در برابر مصایب و آلام جنگ اگر مقاومت کردند در مقابل امراض کشنده نتواستند استاده گی کنند، در جستجوی کار و بدست آوردن لقمه نانی اکثراً جان خود را از دست دادند.

در طول راه کابل - جلال آباد به واقعات و حادثات فلاکت باری هم مواجه می شدند که گاه در حضور پدر و مادر فرزندان شان از موتر پائین کرده می شد و دوباره به فامیل های خود پیوست شده نمیتوانستند، به همین ترتیب خواهر از برادر و حتی زن از شوهر جدا ساخته می شدند و چارهٔ هم نبود، خلاصه آنکه:



نمای تخریباتی قصر دارالامان

Helo Trust 1995



نمای ویرانی جادهٔ میوند

Jolyon Leslie, 1995



نمای ویرانی شور بازار
Robert Mc. Kerrow, 1996



نمای ویرانی شور بازار

N. Dupree 1995

"این باغ غیر داغ عزیزان گلی نداشت"

گاهی برادر با برادر، والدین به فرزند یگانهٔ خود نمی توانستند کمك نمایند. در بعضی موارد عاطفه، احساس و کرامت انسانی و برادری هم قابل سوال(؟) بود، این است شمهٔ از اثرات جنگ در رابطه با عاطفهٔ انسانی.

تو کز محنت دیگران بیغمی

نشاید که نامت نهند آدمی

تثبیت موقعیت ساحات تخریب شده:

از سال ۱۳۷۱ به بعد در اثر باران راکت در شهر کابل نه تنها شهر ویران گردید بکله توام با مهاجرت های اجباری ساحه تخریب شده، اجزای باقیمانده شهر در ساحات جنوب کوه آسه مایی، علی آباد، افشار و بخش های جنوب تپه مرنجان، پلچرخی، وساحهٔ صناعتی کابل بنا بر فقدان نفوس و بی ثباتی و عدم مصئونیت بعد از وقفه های جنگ مورد دستبرد و تاراج قرار گرفت. که نه تنها شهر را به ویرانی مزید مواجه گردانید، بلکه ماهیت و رعایت ماستر پلان شهري بکلی از بین برده شد. بنا بر آن تخریب و ویرانی شهر کابل را در دو تصنیف میتوان مورد برسی قرار داد:

۱- آن بخشهای شهر که مستقیماً در اثر جنگ ویران گردیده.

۲- ساحاتیکه در وقفه های بعد از جنگ مورد دستبرد و ویرانی قرار گرفته است.

- آن نواحی شهری که مستقیماً از جنگ آسیب یافته و کاملاً به انهدام و تخریب مواجه شده از دو لحاظ به بررسي گرفته شده و تثبیت موقعیت میگردد.

- از لحاظ ماهیت فرهنگی - سیاسی، از لحاظ مسایل اقتصادی، و تجارتی:

اگر بدقت توجه بعمل آید بخشهای کاملاً ویران شده

شهر شامل کتگوریهای آتیست:

- ساحات صناعتی:

- تمام دستگاه های صناعتی شهر صناعتی واقع پلچرخی که شامل فابریکه های ادویه سازی هوخت، دستگاه های نساجی، پشمینه بافی، ساختمانی، سیخ گول و سایر خدمات تولیدی و اقتصادی.

- دستگاه صناعتی نساجی بگرامی.

- دستگاه های صناعتی جنگلك با تمام تأسیسات و وسایل آن

- دستگاه های صنایع انفرادی در نادر پشتون، جاده میوند و مرکز شهر.

- خدمات صحی و شفاخانه ها:

- سناتوریم و توبرکلوز که با وسایل طبی ان از بین برده شده.

شفاخانه علی آباد با وسایل لابراتواری، جراحی، دستگاه رادیو گرافی و کوبالت شصت.

- شفاخانه نور با وسایل اوپتیکی آن.

- مرکز اورتپیدیك در سمت غرب شفاخانه علی آباد که با تمام ذخایر صناعتی و وسایلیکه توسط آن پاهای مصنوعی تهیه میگردید از بین برده شد.

- سایر کلنیك های محلی که در نواحی سه، پنج، شش،

هفت و در امتداد جاده میوند، سید نور محمد شاه مینه و کارته نو، مصروف خدمات صحی بود، تماماً به ویرانی و رکود مواجه گردید.

- کلینک مرکزی، و شفاخانه ابن سینا هم قسماً ازین جنگ ها صدمه دید.

- خدمات ترانسپورتی: تماماً بس های برقی و مراکز آن، مراکز بسهای شهری با ایستگاه های آن، به شمول مراکز برق و جنکشن های برق و برجهای برق با ترانسفارمرهای آن.

- مراکز تجارتی:

- سرای شهزاده و ساحه تیمور شاهی.

- ساحات بانك رهنی و تعمیراتی، بانك زراعتی.

- ساحات تجارتی جاده میوند الی چمن.

- ساحات تجارتی در میرویس میدان، بریکوت، کارته شاه شهید، نور محمد شاه مینه و کارته نو.

- ساحه تجارتی ده بوری، علاو الدین و دار الامان.

-ساحه تجارتی واصل آباد، گذرگاه، چهلستون، جنگلك و نواحی مجاور آن.

مراکز تجارتی مراد خانی، اطراف پلخشتی و نادر پشتون.

- تمامی تانك های ذخایر تیل و پمپ ستیشن ها از چارراهی میرویس میدان الی کارته نو تخریب و فاقد استفاده گردید.

مراکز علمی و فرهنگی:

مراکز علمی و فرهنگی در ساحات جنگ زده کابل بیشتر از همه صدمه دید که برای نسل جوان در مجموع برای افغانستان جبران آن گران میباشد. در ساحات جنوب شهر اضافه تر لیسه های قرار داشت که تعداد زیاد مردمان شهرکابل پسران و دختران خود را غرض تحصیل روان میکردند، این مراکز شامل مؤسسات تحصیلات عالی، ثانوی، متوسطه و ابتدائیه بود که مختصراً از آن نام میگیریم.

- **در بخش تحصیلات عالی:**

- پوهنتون کابل بیش از همه ویران شده بود که به توجه رهبری دولت زودتر آسیب پذیري آن طوری وقایه گردید که استادان و محصلان توانستند در سالهای ۱۳۷۴ -۱۳۷۵ بدروس خویش مجدداً آغاز نمایند و باز سازی پوهنتون مطابق نورم و پلان قبلی مجدداً اعمار گردید.

- انستیتوت طب دولتی که آنهم مواجه خسارات زیادی شده بود مجدداً بازسازی شد و محصلان آن مصروف تحصیلات عالی خویش شدند.

- انستیتوت پداگوژی که متأسفانه از محل اصلی خود بیجا شده و اکنون در شاه دو شمشیرهٔ ولی به دروس خود اشتغال دارند.

- بهمین ترتیب پوهنتون حربی تماماً دستبرد و ویرانی قرار گرفت.

- در بخش ثانوی و متوسطه:

تعداد زیادی از مکاتب ثانوی درین ساحه ویران شده و از محل اصلی اش بیجا شده است از قبیل:

لیسه محمود طرزي، لیسه خوشحال خان، لیسه حبیبیه، لیسه امانی، لیسه ابن سینا، لیسهٔ غازی، دار المعلمین عالی و تربیه معلم، لیسه عایشه درانی، لیسه محمود هوتکی، لیسه سید نور محمد شاه، حربی ښوونځی و ده ها مکاتب ابتدائیه.

- متوسطه علاو الدین، متوسطهٔ درخانی، و امثال آن.

این لیسه ها با وسایل درسی آن ویران شده، استادان و شاگردان آن قسماً ترك وطن کردند و قسماً در کابل و بعضی شهرهای داخل کشور مصروف کار میباشند. تخنیکم ها بخصوص جنگلك، تخنیك شاه دو شمشیره ولی، مکاتب حرفوی، تخنیك ثانوی، جیودیزی و ساختمانی درین ساحه خسارات و ویرانی های زیادی را متقبل شده اند. درین تخنیکم ها حتی وسایل ساختمانی و دستگاه های صناعتی آن کاملاً ضایع شده و از بین رفته است.

- موزیم کابل به صفت اولین مرکز آثار عتیقه و باستانی کشور تماماً تخریب و آثار آن به قاچاق و چپاول مواجه شده است.

مرکز تعلیمی رادیو تلویزیون در مجاورت دار المعلمین، پسته خانه ها و مراکز مخابراتی کارته چار و سایر محلات جنگ زده بکلی از استفاده همشهریان و محلات زیست بر آمده است.

منازل مسکونی که در ساحات جنوب آسه مايي و محلات جنگ زده تماماً ویران و تخریب شده که در نتیجه زمینه مهاجرت بیش از یك ملیون انسان را در کمپ سرشاهی و ننگرهار و حتی به پاکستان سبب شد و به این ترتیب زمینه تخلیه شهر کابل و ویرانی بیشتر آنرا برای مردمان استفاده جو فراهم ساخت و از لحاظ کیفیت معنوی صدمه جبران ناپذیر را برای شهر کابل به ارمغان آورد. صدمه مادی آنرا واضحاً همشهریان قطعاً تحمل نمیتوانند و بدون امداد مؤسسات بین المللی امکان پذیر هم نمی باشد.

تثبیت موقعیت ساحات ویران شده که بز ماستر پلان شهری اثرات ناگوار دارد به ترتیب ذیل ارائه میگردد:

- هر گاه موقعیت ساحات تخریب شده را بدرستی تثبیت نمائیم بهتر است که با استفاده از نقشه شهری در روی ترورسهایکه جاده های عمومی را نشان میدهد محلات تخریب شده را تثبیت موقعیت نمائیم.

- چوك میرویس میدان: این نواحی ویران شده را بالترتیب الی پلچرخی، کوتل یك لنگه در امتداد جاده ها و بین دو جاده از نظر میگذرانیم:

هر گاه چوك میرویس میدان را معیار قرار دهم در چار سمت آن این محلات به ویرانی مواجه شده است:

- از چوك میرویس میدان الی سیلو و تصدیهای ترانسپورتی الی سرك اول کارته مامورین.

- از چوك ميرويس ميدان الى حوزه پنج و قلعه وزير در دو استقامت سرك پغمان.

- از چوك ميرويس ميدان الى ده بورى در دو استقامت جاده.

- بين سرك سيلو و سرك غربى پوهنتون كابل از سيلو شروع شده، تماماً خانه هاى بين دو جاده كه قسمت اعظم ناحيه پنج را احتوا ميكند.

- از سرك مقابل پولى تخنيك الى پرورش گاه در دو استقامت سرك تماماً خانه ها، دوكانهاى افشار و منازل مسكونى در مجاورت كوه افشار.

- از ده بورى در امتداد سرك باستقامت كارته چار، تماماً تعميرات دو جانبه سرك الى مينار عبد الوكيل خان در بريكوت.

- از مينار عبد الوكيل خان با استقامت عقب محبس، جمال مينه، وزارت زراعت تعميرات على آباد و منازل دامان كوه على آباد.

- تعميرات غربى محوطه پوهنتون، به شمول برخى از پوهنځى ها و تعميرات استملاكى آن وُقلع ده بورى.

از مينار عبد الوكيل خان در امتداد خط السير بسهاى سراى غزنى، منازل مسكونى كارته چار به شمول خانه علم و فرهنگ، فابريكه حجارى و نجارى و مكاتب ئيكه درين ساحه و جود داشت.

- در امتداد سرك دار الامان تعميرات دو جانبه جاده به

شمول لیسه حبیبه تعمیرات اطراف سفارت روسیه، جای رئیس، علاؤالدین، ریاست پنج، سناتوریم، شفاخانهٔ نور و اطراف قصر دارالامان.

از قصر دار الامان الی چهلستون، از چهلستون الی جنگلك و باغ بابر و از باغ بابر الی پل هارتن، نو آباد دهمزنگ، به شمول تانك تیل دهمزنگ و باغ وحش وپسته خانه دهمزنگ و ساحه جوی شیر درین ساحه تخریب شده که ماستر پلان شهری را کاملاً از حالت اولی اش تحریف نموده است.

۲- از سینما پامیر در امتداد جاده میوند تعمیرات دو جانبه جاده با تمام مراکز تجارتی و اداری و سرای های آن الی چمن حضوری ویران گردیده است.

- از اخیر جاده میوند الی مینار استقلال و سمت جنوب آن به شمول دروازه لاهوری الی بالاحصار و تعمیرات بالاحصار به شمول شهر کهنه، درخت شنگ و منازل مسکونی بکلی تخریب شده است.

- بهمین ترتیب از دروازه شرقی بالاحصار در امتداد سرك به استقامت جنوب دو جانبه سرك الی سیاه بینی و بینی حصار تعمیرات مسکونی و دستگاه های اره کشی و صناعتی کاملاً از بین رفته است.

- قسمت اعظم کارته سید نور محمد شاه مینه در امتداد سرك سیاه سنگ به شمول مرکز نقلیه، مرکز ساختمانی شاروالی و سایر تعمیرات منهدم شده است، تعمیرات مشرف به دامنه تپه مرنجان، قسمت زیاد مکروریان اول، مرکز

ترانسپورت، شهری، بازار مراد خانی، چار چتهٔ سابقه مقابل مسجد پل خشتی، مسلخ، برج ساعت در حصهٔ پل محمود خان، تعمیر سروی جیالوجی نیز درین ردیف ویران گردیده است.

- در امتداد سرك مکروریان دوم اطراف جادهٔ آن تعمیرات منهدم شده و از آنجا الی پلچرخی در امتداد شاهراه کابل - ننگرهار الی دامنه های جنوبی تپه های ده سبز- یکه توت - و بی بی مهرو منازل شهری ویران گردیده است.

اما آنعده بخشهای شهری که بعد از وقفه های جنگ ویران شده، شامل خوشحال خان قسمتی از کارتهٔ سه، ده دانا، و اطراف منازل واصل آباد، کارته نو، پروژه نوآباد، کارته نو، هودخیل ها، قلعه زمان خان، و قلعه واحد بعد از جنگ در اثر دست برد از چوپ و دروازه و پنجره های تعمیراتی ان بهٔ ویران مبدل شده است، و به مرور یکی دو سال ماهیت عمرانی خود را از دست داده است.

تمامی این تخریبات عمدی ناشی از جنگ و تخریب زمنی بعد از جنگ کلیه نورمهای شهری را از بین برده است و با از بین رفتن شراین ترافیکی، مراکز امنیتی، علمی، و فرهنگی، عامل برزگ در تخلیهٔ دستگاه های صناعتی و تجارتی پدید آمده، شهر را از ماهیت شهری خارج ساخته است و با از بین رفتن نفوس کلیه خدمات شهری بر هم خورده است.

شبکه آبرسانی، شبکه های تنویر برق، شراین ترافیکی بسهای شهری، سیستم مخابراتی، سیستم فعال تجارتی و داد

وستد معاملات یومیه در ناحیه جنگ زده کابل یا کاملاً از بین رفته و یا طور قسمی و زمنی باقیمانده، طوریکه لازم است بنا بر عدم استقرار نفوس فعال شده نمیتواند. رکن اصلی شهر را که تراکم نفوس و موجودیت مردم و باشنده گان آن تشکیل میدهد واقعاً باعث تحرک معاملات علمی، فرهنگی، تجارتی، صناعتی و ترانسپورتی میشود، اصلاً در مناطق جنگ زده به حد اقل آن پائین آورده و یا آنکه بکلی اکثر نواحی تخریب شده فاقد نفوس فعال شهری می باشد.

کابل فردا با فردای مبهم آن

فردای کابل و بازسازی شهر در محراق توجه هر فرد افغان قرار دارد، زیرا از لحاظ مشخصات سیاسي پایتخت افغانستان و مرکز سیاسي کشور بوده از نگاه ملی و بین المللی ممثل کلیه معاملات دیپلوماتیك در سطح جهانی محسوب میشود، و تمام روابط فرهنگی و سیاسي با سایر دول جهان از همین شهر بزرگ تاریخی برقرار میگردد. تمام ضابطه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، صناعتی، تاریخی و مذهبی با ابعاد مختلف آن از لحاظ کمی و کیفی از شهر کابل، یعنی این شهر باستانی و تاریخی تنظیم میگردید. ملاك های کلتوری و سیاسي در طول تاریخ در پیوند با شهر کابل وجود چند بعدی را دارا بوده، تغییرات و تحولات متمادی آن در طول تاریخ گذشته و یك دهۀ قبلی ۱۹۸۶ - ۱۹۹۶ و خاصتاً بعد از سال ۱۹۹۳ سیر تحول قهقرائی ویرانی و تخریبات پیهم شهر کابل را بیش از پیش در انظار اهل خبره و دانشمندان و بلکه تمام جهانیانُ به حیث یك موضوع انعطاف پذیر و در خور اهمیت جلوه میدهد. چه این شهر زیبا و سر سبز که همواره مورد باز دید سیاحین، سیاستمداران، مورخین، تجار و قلم بدستان جهان قرار میگرفت، بعد از سالهای ۱۹۹۳ قسماً به یك شهر متروك، ویرانه و بدون نفوس فعال و فاقد مراکز تجارتی و صناعتی مبدل گردید. خاصتاً در موقعیکه مؤسسات خارجی و سازمان های عام المنفعه بین المللی و سفارت خانه

ها و مراکز دیپلوماتیك کلیه کشورها ازین شهر زیبا رحل اقامت بر بستند. بجز از خیرخانه، کارته پروان و شهر نو دیگر تمام نواحی شهر مورد پرتاب خم پاره های ثقیل راکت توپ و بمباردمان طیاره، مرمی تانك و اسلحه خفیفه و ثقیله قرار گرفت. این روند نامطلوب چه بد بختی ها و رویدادهای نا به سامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در کابل بوجود آورد، از همه بالاتر کاهش اعتبار و پرستیج سیاسی این شهر بود که روابط سیاسی سایر کشورها ازین شهر بر چیده شد و یك خلای بزرگ سیاسي را در سطح ملی و بین المللی بوجود آورد.

شهر کابل که از لحاظ ستراتیژیکی و نقش دفاعی در طول تاریخ سنگرگاه شکست ناپذیر در برابر بیگانگان بود، اما بعد از سال ۱۹۹۱ با جنگهای داخلی تمام نواحی جنوبی آن به خاك و خاکستر مبدل شد.

اکنون بازسازی کابل فردا کاملاً به اتحاد و هماهنگی نیروهای مسلط و تشریك مساعی، اتحاد و همبستگی کامل افغانها دارد.

اگر موضوع نفوس را ببررسی گیریم دیده میشود که در سال ۱۳۶۹ش نفوس نواحی شهر را اینطور ارائه کرده بودند:

نواحی	نفوس مجموعی	ذکور	اناث	تعداد خانوداه
ناحیه اول	۱۰۲۰۰۰	۵۶۰۰۰	٤٦۰۰۰	۱۹۷۰
رر دوم	۵۷۲۰۰	۲۹۳۰۰	٦۷۹۰۰	۹۲۰
رر سوم	۱۰۹۹۰۰	۵۱۸۰	۵۱۱۰۰	۱۵۳۰
رر چهارم	۱۳۲۳۰۰	۲۹۰۰۰	٦۷۳۰۰	۲۰۳۰
رر پنجم	۱۵٤۱۰۰	۷۹۰۰۰	۷۵۱۰۰	۲۲۳۰
رر ششم	۱۸۰۰۰۰	۹۳۹۰۰	۸۱۱۰۰	۲٦۸۰

رر هفتم	۱۷۲۲۰۰	۹۰۵۰۰	۸٦۷۰۰	۲٦۰۰
رر هشتم	۱۲۳٦۰۰	٦۲۳۰۰	٦۱۳۰۰	۱۸۱۰
رر نهم	۱٤٦٦۰۰	۷٤٤۰۰	۷۲۲۰۰	۲۱۵۰
رر دهم	۱۲۷۹۰۰	٦٤٤۰۰	٦۳۵۰۰	۱۹٤۰
رر یازدهم	۲۵۳٦۰۰	۱۲۷۰۰۰	۱۲۷٦۰۰	۳۷٤۰
مجموع	۱۵٦۲٤۰۰	۷۹۷٦۰۰	۷٦٤۸۰۰	۲۳٦۰۰

در سر شماری نفوس سال ۱۳۵۸ نفوس مجموعی کشور (۱۳۰۵۱۳۵۸ با تعداد مجموعی ۲۱۱۰۰۴۴ خانواده و ۱۵٦۲۴۰۰ نفر شهر کابل با ۲۳٦۰۰ خانواده شامل می باشد که تعداد این خانواده ها به پنج الی هشت نفر میرسید، و گاهی اعضای خانواده های به ده و یازده نفر ارتقا می یافت.

از سال ۱۳۵۸ به بعد بالاخص بعد از نافذ شدن فرمان اصلاحات ارضی در افغانستان تعداد زیادی از هموطنان ما اجباراً بهٔ ترک وطن تن در دادند و از لانه و کاشانه اصلی خود مهاجرت کردند. اکثر ملاکین و زمین داران که در شهر کابل سکونت داشتند بناچار شهر را ترک کردند و به دیار هجرت دور از وطن سکونت اختیار کردند. بعداً در سال های ۱۳۷۱ ۱۳۷۴ بنا بر شدت جنگ در کابل و بارانهای راکت در شهر اکثراً مردم خانه های خود را ترک گفتند و در جاهای نسبتاً مطمئن نقل مکان کردند.

باشندگان شهر کابل بخصوص نواحی جنوبی - شرقی و جنوب غربی شهر بصورت دسته جمعی و کتلوی منازل خود را ترک گفتند و اکثراً پای برهنه و با یك جورهٔ لباسیکه در تن داشتند اجباراً ترک مادر وطن کردند، اکثریت این آواره گان و

مهاجرین شهر نشین به حیات بدوی بادیه نشینی و چادر نشینی در کمپ های سرشاهی و سمرخیل در ننگرهار و یك تعداد زیاد در کمپ های پشاور (ورسك، کچه گړی، ناصر باغ، شمشتو، کمپ ببو...) به حال فلاکت بار به حیات مسافری و آواره گی سر تسلیم فرود آوردند.

این مهاجرین بعد ازاستقرار مؤقت در کمپ ها مجبور به مهاجرت های دوباره و چندین مرحله ئی شدند، بعد از آنکه متحمل فشار روحی، جسمی و مالی شدند از یك کمپ به کمپ دیگر و از یك محله به محله دیگر تغییر محل کردند و بااین ترتیب نیروی فزیکی و توان اقتصادی خود را با ضایعات و تلفات جانی از دست دادند.

ضرورت مبرم دیگری که در اعمار مجدد کابل احساس میگردد موضوع احیای مجدد مراکز فرهنگی و علمی است، زیرا کابل به صفت مرکز سیاسي افغانستان اولین مرکز بزرگ علمی، عرفانی و کلتوری در سطح کشور بود که بعد از سال ۱۳۷۱ خسارات هنگفتی را ازین ناحیه متحمل گردید، اکثراً مکاتب و مؤسسات تحصیلی و تعلیمی ویران شد، دانشمندان و استادان به تعداد زیادی مجبور به ترك وطن شدند، کتب، مجلات جرائید، آثار خطی و باستانی تماماً طعمه حریق و قاچاق گردید.

تنها در شهر کابل به تعداد ۹۵ باب مکاتب ثانوی پسرانه و ۵۱ باب مکاتب ثانوی دخترانه وجود داشت. پوهنتون کابل در سال ۱۳۷۰ به تعداد ده هزار محصل و بیش از ۴۹۰

تن استاد داخلی داشت، که در همان موقع بیش از پنجاه فیصد تحصیلات عالی را در سطح کشور تمثیل میکرد. به همین ترتیب انستیتوت پولی تخنیك، انستیتوت دولتی طب، انستیتوت پیداگوژی، اکادمی علوم، مؤسسات دینی و دار الحفاظ ها، تماماً در شهر کابل یك مجتمع بزرگ علمی و فرهنگی را تشکیل میداد که بعد از جنگهای سال ۱۳۷۱ - ۱۳۷۴ قسمت بیشتر آن که در جنوب کوه آسمائی قرار داشت از ادامه فعالیت های علمی بازداشته شد، محصلان و استادان آن ترك محل کردند و مراکز تعلیمی شان به خاك و خاکستر مبدل گردید.

- مراکز تجارتی و صناعتی که بر پرستیج و عظمت شهر کابل می افزود بعد از سالهای ۱۳۷۱ - ۱۳۷۴ قسماً فلج گردید و قسماً از فعالیت بازمانده تولیدات آن به تعلیق گذاشته شد. ساحه تجارتی و صناعتی کابل در ساحه شهر صنعتی پلچرخی کاملاً فدای جنگ و طعمه حریق گردانیده شد که تماماً کار خانه های صناعتی سیخ گول، پشمینه بافی، بوت دوزی، ادویه سازی، جراب بافی، نساجی، و سایر دستگاه های آن نه تنها تخریب و ویران گردید، بلکه اموال اصلی دستگاه ها و ماشین آلات به خارج کشور به قاچاق برده شد، بهمین ترتیب فابریکه نساجی، بگرامی، دستگاه، صناعتی جنگلك، دستگاه های طباعتی و صناعتی که در مرکز شهر بود، همه از بین برده شد. ماشین آلات تخنیکم ها، دیپوی های ادویه و مراکز فروش آن تماماً منهدم گردید، ماشین آلات برقی و تولید حرارتی



دیوار کابل ، بالاحصار و جاده میوند   مقیاس ۱:۱۵۰۰۰

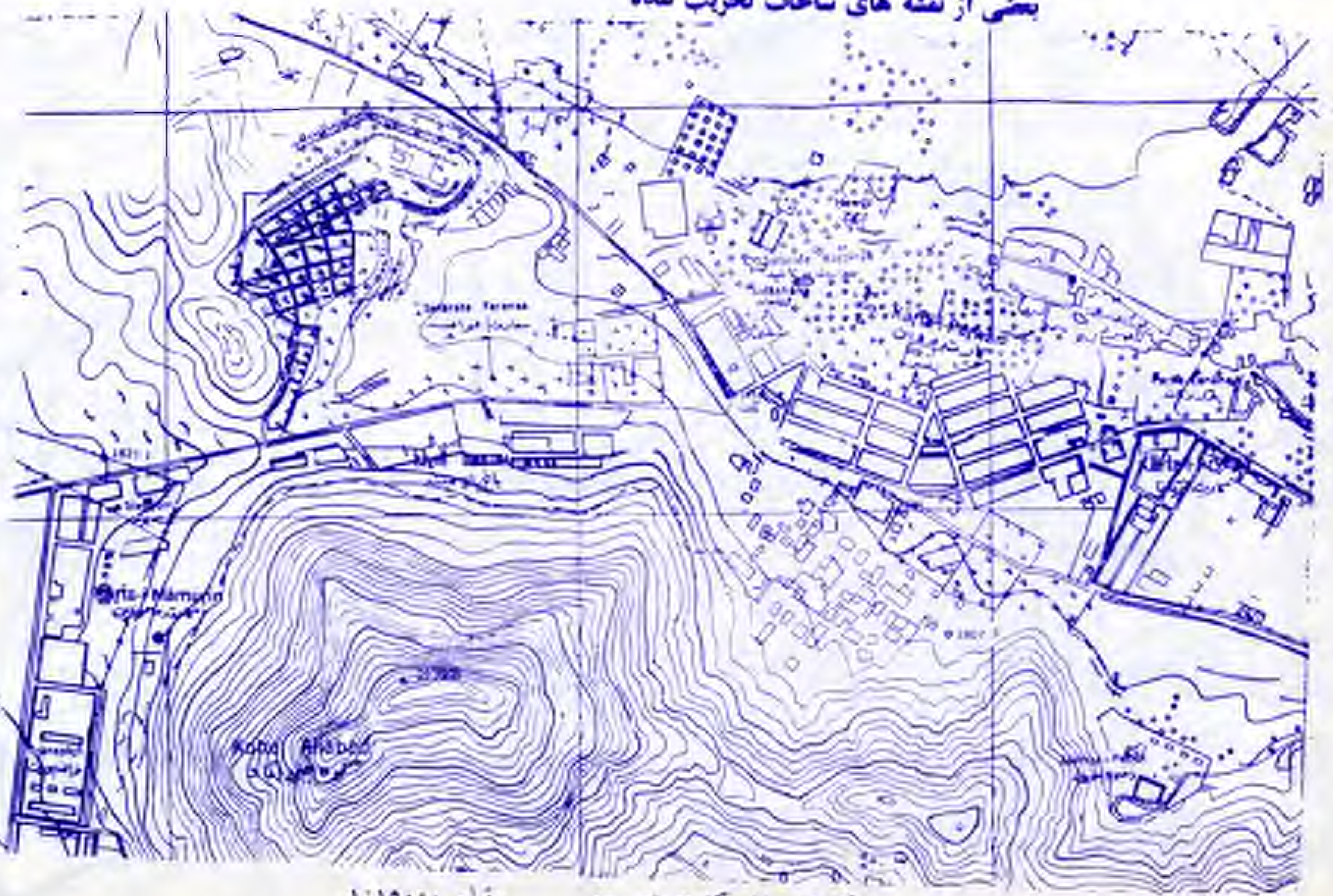


منطقهٔ جشن، کارتهٔ شاه شهید و حصهٔ از جاده میوند مقیاس ۱:۱۵۰۰۰



Qala-i-Dehmorad Khan
Qala-i-Musa

بعضی از نقشه های ساحات تخریب شده



کارته پروان و کارته مامورین

مقیاس ۱:۱۵۰۰۰

کاملاً نابود گردانیده شد. مراکز تجارتی در ساحه چنداول، در ساحه چمن، در ساحه پل خشتی، سرای شهزاده و اطراف سپاهی گمنام، کلیه مراکز عرضه اموال و اشیای ضروری به آتش زده شد و شهر ماهیت تجارتی و صناعتی خود را کاملاً از دست داد.

صنایع فلز کاری، حجاری و نجاری، طبخ نان و حتی گدام های ذخیره از کمپنی (دوراهی پغمان) الی پلچرخی تماماً حیف و میل شده و از استفاده همشهریان بطور دایم خارج گردید. صنایع حلبی سازی، نجاری، دستگاه های اره کشی، آهنگری، مسگری، زرگری و کلیه صنایع خفیفه از مراکز اولی و اصلی بیجا شد که از لحاظ کمیت و کیفیت فعلاً ناچیز و در سطح نازل قرار دارد.

مراکز تجارتی اطراف سرای شهزاده، اطراف مسجد پلخشتی، اطراف مسجد عیده گاه و چمن، اطراف جادهٔ میوند و چنداول و بازارهای پر ازدحام آن به شمول بازار میرویس میدان به یك ساحه غیر فعال و تقریباً متروك مبدل گردید که در مرحله بازسازی شهر کابل و اعمار مجدد آن احیای دو باره این جاها از مسایل بس اهم و رکن بزرگ اقتصادی شهر کابل بحساب می آید.

بقول مؤرخین بزرگ همچو دارمستر، ابو ریحان البیرونی و سایر مؤرخین، کابل در شاهراه بزرگ تجارتی مدنیت باختر، اسیای مرکزی، سندھ و پنجاب، هند و جهان عرب و فارس قرار داشت که از روزگاران باستان راه شمال -

جنوب شرق و غرب این منطقهٔ آسیا از شهر کابل میگذشت، بنا بر آن یکی از عواملیکه کابل به حیث مرکز سیاسي و تجارتی شناخته شده بود همین موقعیت مهم تجارتی آن بود، بنا بر آن احیای مجدد و اعمار دوباره شهر کابل بنا بر شاخصهای تجارتی و ارزش های بازرگانی آن است که طبیعت این مرکزیت را به آن اهدا کرده است.

- فکتور موقعیت مرکزی Cetral Place Theory حتماً انرا مجدداً برازنده خواهد ساخت و این رکود مؤقت که فعلاً کابل را در انزوای تجارتی و سیاسي قرار داده است، بنا بر فکتور مرکزی راه رشد مجدد خود را دوباره خواهد پیمود و به صفت يك شهر بزرگ تاریخی و سیاسي در اندك زمان مجدداً تبارز خواهد کرد و اهمیت تاریخی و پارینه خود را دوباره کسب خواهد کرد.

- فعال شدن مراکز خدمات اجتماعی جزلاینفك شهر های معاصر میباشد بخصوص شهرهای که حیثیت پایتخت را دارا باشد، خدمات اجتماعی در کلیه ابعاد شهری در نظر گرفته میشود. تا نیاز همشهریان، سیاحین، دیپلومات ها، تجار، اهل کسبه، صنایع و مراکز صحی، علمی و فرهنگی را بوجه احسن بر آورده بتواند.

در جمله مؤسسات خدماتی بیشتر از همه مراکز ذیل عطف توجه میکند:

۱- مراکز تأمین مواد اولیه از قبیل ضروریات و احتیاج عامه که آرد، روغن، بوره، برنج، گوشت، لبنیات، نان پخته و

سایر ضروریات یومیه که اغلباً در گدامهای شهری مارکیت ها، پیشبینی میگردد و مردم آنرا از مارکیت های نزدیك شهری بدست می آورند.

۲- و سایل تنویر و تسخین که شامل برق آبی، برقی حرارتی، گاز، تیل خاك، دیزل، چوب و زغال (زغال سنگ و زغالیکه از چوب بلوط بدست می آید) میباشد.

برق آبی کابل که عمدتاً از ماهیپر، نغلو و سروبی تهیه میگردید فعلاً به تمام شهر رسیدگی نمیتواند و بنا بر مشکلات جنگ در اکثر بخش های که جنگ تحمیل شده سیستم توزیع برق، شبکه ها، جنکشن ها، میترها و لین های هوایی و زمینی آن شدیداً آسیب دیده که به جزء از شهر نو، کارته پروان و پروژه خیر خانه در دیگر نواحی شهر مردم ازین ناحیه به مشکلات زیادی مواجه میباشد.

کمبود شبکه های گاز و تهیه مقدار کافی زغال و چوب معضله دیگریست که فعلاً همشهریان کابل به آن مواجه میباشند، اما صعود قیم پرابلم دیگری محسوب میشود که تهیه مواد تسخین و سایر مواد را بر همشهریان مشکل میسازد. امید است که با استقرار صلح و ثبات سیاسي این نقیصه مرفوع گردد.

۳- شبکه های تلیفون، تلگراف و رسانه های پوستی و مخابراتی از لحاظ خدمات شهری تا حدی در نواحی جنوب - شرق و غرب شهر کابل ملتوی و غیر فعال میباشد و تقریباً شبکهٔ مخابراتی درین نواحی شهری برهم خورده و غیر قابل

استفاده میباشد.

۴- شکبه های آبرسانی و کانالیزسیون نیز در نواحی جنگزده شهر کابل برهم خورده و برای مردم آب صحی و آشامیدنی به جز از چاهای محلی و چاهایکه مؤسسات خارجی آماده ساخته آب نل صحی در دست استفاده قرار ندارد و بهمین ترتیب سیستم کانالیزسیون برهم خورده است.

۵- مراکز صحی و عرفانی در نواحی جنگ زده کابل از مسیر اصلی خود منحرف گردیده به جز از پوهنتون کابل و انستیتوت طب دولتی دیگر مؤسسات فرهنگی نتوانسته است که در مسیر اولی خود قرار گیرند. شفاخانه علی آباد، سناتوریم، لیسهٔ محمود طرزی، لیسهٔ حبیبیه، عایشه درانی، لیسهٔ غازی، دار المعلمین ها، ابن سینا، و سایر مکاتب تقریباً صدمه جبران ناپذیری برداشته که احیا و فعال ساختن دوباره آن بر حیثیت و پرستیج سیاسي و فرهنگی کابل می افزاید.

موزیم بزرگ ملی افغانستان در دارالامان تقریباً بکلی تخلیه شده و اشیای باستانی و تاریخی آن حیف و میل شده و بطور قاچاق از مرز وطن خارج گردیده است که باز گرداندن آن از طریق یونسکو و فاعلیت های دیپلوماتیك یك وجیبه فرهنگی و ملی برای هر افغان و زعامت سیاسی کشور بحساب می آید.

بهمین ترتیب احیای پارك های شهر و تفریحگاه ها به شمول باغ وحش کابل واقع در بریکوت، باغ چهلستون، باغ بابر، باغ دار الامان، تپه تاجبیك که از یك جانب باعث زیبایی

شهر میگردد از جانب دیگر بر عظمت و پرستیج سیاسی کابل می افزاید، امید است که با تأمین صلح و ثبات سیاسی این افتخار دوباره از آن شهر کابل گردد، تا باشد که در زمره مراکز سیاسی به صفت یك شهر بزرگ تاریخی مجدداً مقام قبلی خود را احراز نماید.

معضله بازسازی شهر کابل:

در شرایط فعلی جنگ و عدم ثبات و استقرار سیاسي و نبودن صلح سراسری افغانستان را تهدید میکند و ازجانب دیگر حملات مستدام از جهات مختلفت شهر کابل را مجال آرامش نمیدهد بنا بر آن در بازسازی کابل سکتگی های زیادی را بار میاورد و آنهم به ترتیب ذیل:

- مهمترین معضله عدم تأمین امنیت و عدم صلح همگانی است، نفوس اصلی و باشندگان قبلی شهر که ترك دیار و کاشانۀ خود کرده اند جرئت نمیتوانند که دوباره روی خانه های ویران شدۀ خود باز گردند، و نمیتوانند که بنا بر معضله مسکن در کجا بود و باش کنند، چطور خانه های مخروبه خویش را پاك کاری کنند؟ آیا کدام نوع تضمین مالی و جانی در برابر این فامیل ها وجود دارد یا نه؟. این همه سوالاتیست که هر فامیل آواره کابل به آن فکر میکنند و می اندیشند، بنا بر آن:

- عدم استطاعت و توان مالی و اقتصادی مالکین منازل و عدم توان مالی دولت و صعود سرسام آور قیم در

بخش اقلام وارداتی و ساختمانی تعمیراتی، توام با عدم ثبات سیاسی و عدم آرامش، برزگ ترین معضله را در برابر مردم و دولت تشکیل میدهد.

- انتقال مواد مخروبه، گل و آوار تعمیرات ویران شده به خارج شهر و عدم موجودیت و سایط و وسایل انتقالات پرابلم دیگریست که در برابر مردم قرار میدهد.

- عدم موجودیت مواد خام تعمیرات به اندازه کافی در سطح کشور، خاصتاً در چنین شرایطی که وحدت سیاسی میسر نیست بنا بر آن تهیه سمنت، گچ، چونه و خشت که به وسایط انتقالاتی مناسب و فضای آرام نیازمند است مع الاسف اکنون وجود ندارد.

- تهیه مواد ساختمانی از قبیل سیخ گول، آهن چادر، چوب تعمیراتی، ارچه، رنگ، شیشه، سیم برق، کیبل، نل و پایپ های مورد نیاز از خارج و یا داخل به قیمت خیلی گزاف بدست خواهد آمد.

- بلند بودن اجرت کار ماهرین ساختمانی از قبیل انجنیر، معمار و مزدور کار خیلی کمر شکن بوده که فامیل های کابل با در آمد ماهوار متوسط و یا معاش ماهوار اجرت کار یومیه را نمیتوانند به پردازند.

- کرایه وسایط ترانسپورتی و انتقال مواد به محل کار نیز از توان فامیل های با اقتصاد متوسط دور می باشد.

- بالاتر از همه کمبود نیروی کار و قوای بشری که در شرایط فعلی نیروی جوان همه در حالت مهاجرت در کشورهای

همسایه و دیگر ممالك بسر می برند معضله بزرگی را در برابر پیشبرد همچو کارهای عملی تشکیل میدهد.
- تحمیل فشار بر ارزش افغانی در برابر اسعار خارجی:
این مطلب از همه بیشتر بر پیکر اقتصادی کابل و افغانستان ضربهٔ سنگین وارد میکند. بنا بر عدم موجودیت امتعهٔ صادراتی از افغانستان بخارج و عدم اتکاء بر پول افغانی، قیمت افغانی ارزش خرید خود را در بازار های خارج و افغانستان کاملاً از دست داده است. بناءً در شرایط فعلی پول افغانی بیش از یك سکهٔ ناچیز نبوده و همواره خطوط جبههٔ جنگ بر آن تأثیر می اندازد.
- یك تعداد جوانانیکه در کابل می باشند، قسماً به تحصیل قسماً در جستجوی لقمهٔ نان مصروف بوده و قسماً درجمله نیروی گروپ های دفاعی داخل وظیفه می باشند که تا حدی در انکشاف و توسعه کارهای ساختمانی مکشلی را بار می آورد.
- راه های بیرون رفت بخاطر تطبیق پلان بازسازی و اعمار مجدد شهر کابل:
تحقق بازسازی و اعمار مجدد شهر کابل تابع شرایط ذیل است:
- اولتر از همه فضای آرام، بدون تشویش، امنیت و تأمین صلح سراسری در سطح کشور ضروریست تا همشهریان بتوانند بخاطر جمع و اطمینان خاطر پروگرام های ساختمانی و عمرانی خود را عملی کرده بتوانند. صلح و امنیت تقریباً یك وسیله مطمئن و وثیقه تضمین همه جانبه بخاطر اطمینان مردم

می باشد که با دلگرمی بکار عمران مجدد شهر و خانه خود علاقه میگیرند.

- با تطبیق و تأمین صلح و پروگرام بازگشت مجدد مهاجرین شهر کابل به شهر و خانه های شان مردم میتوانند تحت یك پروگرام منظم که ملل متحد و دولت های ذیربط آنرا سازماندهی نماید همشهریان ما دوباره به خانه و کاشانهٔ شان عودت نمایند و از حیات فلاکت بار کمپ های پاکستان و دیگر کشور ها نجات یابند.

- با عودت دوباره مردمان شهر ایجاب مینماید که در پرتو شعار انسان دوستی و رعایت حقوق بشرو کشورهای دوست، مسلمان، و کشورهای انکشاف یافته در تأمین رفاهیت و تحقق عمران مجدد توجه عاطفی و بشردوستانهٔ خویش را مبذول دارند تا باشد که پروگرام بازسازی شهر و بازگشت مهاجرین ما باامداد مالی شان امکان پذیر گردد.

- مطالبه کمك مالی از کشور های انکشاف یافته همچو ایالات متحده امریکا، انگلستان، جرمنی، جاپان... تا این کشورها بصورت داوطلبانه و رضا کارانه در ساختمان یك یك بخش شهر سهم گیرند.

- جلب کمك های بین المللی بالاخص از صندوق وجهی جهانی، بانك جهانی و سایر سازمانهای اقتصادی اروپا، امریکا، جاپان، افریقا، جنوب و جنوب شرق آسیا.

- مطالبهٔ کمك از کشورهای اسلامی همچو عربستان سعودی، امارات متحده عرب، کویت، قطر و خلیج، ایران،

پاکستان، ترکیه، سوریه، عراق، لیبیا، مصر و غیره.

- پولهای امدادی سایر کشورها در یك حساب امانت بانك ملی و یا د افغانستان بانك بحساب دالری محفوظ و جمع آوری گردد و بعد از تثبیت احتمالی و مصارف تقریبی هر بخش شهری توسط یك کمیسیون با صلاحیت از بانك کشیده شده به مصارف شهری بکار برده شود. اندازه کار توسط انجنیران با صلاحیت و معتمد ارزیابی و کنترول گردد و هر نوع استفاده جوي به جرم خیانت ملی محسوب و به اشد مجازات محکوم گردد.

- خدمات متمم شهری از طریق اورگانهای مختلف و مؤسسات داخلی کشور در پهلوی کمك های خارجی که متمم خدمات شهری می باشد، اورگانهای آتی آنرا انجام دهد تا باز سازی شهر سرعت یابد:

وزارت کار و ساختمان تطبیق تمام امور ساختمانی را بعهده خواهند داشت، بهمین ترتیب شهر سازی و خانه سازی وزارت آب و برق، تجارت، ترانسپورت، مخابرات، فواید عامه، شاروالی کابل، معادن و صنایع، صحت عامه، هوانوردی ملکی، وزارت معارف، بانکهای داخلی، در مجموع تنظیم های مختلف جهادی هر کدام به نوبه خود به حیث متمم بازسازی شهر نقش و اثرمندی خاص را در بخشهای فعالیت خود خواهد داشت، تماماً به صفت یك مجتمع کاری دست به دست هم داده پروسه اعمار مجدد شهر را سرعت و تحرك بخشند و تماماً به حیث یك تیم واحد صرف مساعی ورزند.

راه انداختن کار های داوطلبانه مؤسساتیکه دارای نیروی بشری اند سازمان خواهند داد و وزارت های داخله، امنیت و دفاع در تأمین امنیت امور ساختمانی بذل مساعی خواهند ورزید.

شکل عملی و تطبیقی بازسازی شهر:

بخاطر آنکه یك قسمت بزرگ شهر تخریب شده و در جمله ساحات ویران شده شهر کهنه و قسمت های نامطلوب شهری که بامستر پلان اصلی شهر هماهنگی و مطابقت ندارد، مجدداً مورد بررسی قرار گیرد و مهندسین مسوول و باصلاحیت آن نواحی را مطابق نورمهای ساختمانی داخل ماسترپلان سازند. بهمین ترتیب درین اواخر تصرف و انحرافاتیکه در ماسترپلان وارد شده تماماً روی نقشه جدید تثبیت و آن ساحاتیکه با ماسترپلان همآهنگی ندارد، در نقشه شهری اصلاح گردد. ازین لحاظ ایجاب مینماید که نقشهٔ شهری کابل با ماهیت اصلی و فعلی اش تازه ترسیم و سروی گردد. و در پهلوی آن ماستر پلان شهر مطالبه و با نقشه فعلی مقایسه گردد تا بطور اساسی ماستر پلان شهر در عرصه ساختمانی اش تطبیق گردد.

بهمین ترتیب یك سروی اساسی ایجاب مینماید که نفوس فعلی شهر در کدام نقاط تراکم یافته، تناسب نفوس فعلی، نفوس مهاجر شهر و نفوس بعدی بعد از تطبیق ماستر پلان مطالعه شود که در کدام نواحی به چه تناسب خواهد

رسید.

ماستر پلان شهر کابل بار اول در سال ۱۳۴۵ طرحریزی گردید، که برای باشندگان شهری ساحه ۲۳۷۸۰ هکتار زمین را احتواء میکرد و برای ۸۰۰ هزار نفر منازل مسکونی را بوجود می آورد.

اما ماستر پلان دومی در سال ۱۳۴۹ در ساحه ۲۹۹۰۰ هکتار زمین برای بود و باش ۱۴۱۶۰۰۰ نفر پیشبینی گردید، بعداً در سال ۱۳۵۷ متخصصین شهر سازی شاروالی و دیگر اورگانهای ذیربط در ساحه ۳۲۳۴۰ هکتار زمین با امکان سکونت دو ملیون نفر در نظر گرفته شده بود.

تقسیم ساحات مربوط و استفاده از اراضی شهری به ترتیب ذیل محاسبه شده است[۱]:

طور استفاده اراضی	مساحت به هکتار	فیصدی از مجموع ساحه ماستر پلان
مجموع ساحات مسکونی	۱۶۸۴۰	۵۲ فیصد
۱- مکروریانها و نواحی رهایش	۹۵۲۰	۲۹,۴ فیصد
۲- تعمیرات بلند منزل	۴۵۷۴	۲۴,۱ فیصد
۳- تعمیرات کم منزل	۴۹۴۶	۱۵,۳ فیصد
- تاسیسات عام المنفعه	۸۶۰	۲,۷ فیصد
- سرك و میدانها	۲۸۸۰	۸,۹ فیصد
- ساحات ورزشی وساحه سبز	۳۵۵۷	۱۱ فیصد
- تاسیسات صنعتی	۱۷۷۰	۵,۵ فیصد

۱- ورکشاپ طرح، پالیسی طی مسکن در افغانستان، کابل، (۲۶ -۲۸ سنبله) ۱۳۶۹.

- ساحه خدماتی و گدامها	۲۵۹۰	۸ فیصد
- ساحات تعلیمی و تحصیل	۶۰۰	۱,۹ فیصد
- ترانسپورت خارجی	۲۵۰۰	۷,۷ فیصد
ساحه خاص	۸۳۰	۲,٦ فیصد
ساحه غیر قابل ساختمانی (کوه تپه و دریاه)	٦۸۲۰	۲۲,۳ فیصد

به منظور تحقق ماستر پلان لازمی پنداشته میشود که ماستر پلان شهر اگر بدست آمده بتواند، تکثیر و به مراجع علمی، فرهنگی، مهندسین شهر سازی و انجنیری راجع گردد، تا آنها با نورمهای معاصر شهری آنرا بررسی و با طرز انتقادی بطور همه جانبه آنرا مرور نمایند، تغییراتیکه وارد می آید و یا آنحرافاتیکه در ماستر پلان بوقوع پیوسته آنرا به مقایسه ساختمانهای موجود اصلاح و تصحیح نمایند.

مطابق ماستر پلان تمام مؤسسات خدمات اجتماعی، اداری با نورم جهانی در ماستر پلان جا بجا گردد، مراکز بود و باش و نقاط مسکون از قبیل بلند منزلها، اپارتمانها، منازل دو طبقه یی، چندین طبقه یی و یك طبقه یی، مراکز صحی کلنیك ها، مراکز فرهنگی، تعلیمی، اداری، تفریحی، و پارکهای شهر باید مطابق معیارهای شهری متناسب به نفوس در ماستر پلان در نظر گرفته شود. راه های مواصلاتی و ترانسپورت شهری، شبکه های آبرسانی، برق، مخابرات، و سایر پایپ لاین ها، کانالیزسیون، و پایپ های گاز غرض تسخین بایست طور منظم در شهر مد نظر باشد، مارکیت های خورد و بزرگ، سوپرمارکیت ها، مراکز تجارتی، مراکز

صناعتی، شخصی و دولتی، صنایع دستی، ذخایر ارتزاقی، محروقاتی، ذخایر آب و غیره بطور همه جانبه طوری تنظیم گردد که مشکلات مردم و شهروندان را بدرستی رفع کرده بتواند. بهمین ترتیب در سرسبزی شهر و بوجود آوردن کمربندهای سبز طوری تدابیر اتخاذ گردد که باعث از بین رفتن و تخریب منازل نگردد، بلکه در حاشیه شهر و در ساحات بایر و خشك که فاقد ساحه زیست و منازل مسکونی باشد، اشجار زینتی غرس گردد تا به زیبایی شهر بیفزاید و از خشکی هوا و گرد آلودی جلوگیری نماید.

- نتجه گیری و پیشنهادات:

- تحقق بازسازی شهر کابل بدرجه اول نیاز مبرم به صلح و ثبات اتحاد و اتفاق کلیه نیروها و زندگی مطمئن همشهریان دارد.

- اماده ساختن مؤسسات بین المللی و دول دوست مسلمان و همسایه به خاطر کمك مالی.

- مرور و سروی همه جانبه در ماستر پلان شهری موازی با معیارهای پذیرفته شده جهانی و اعطای صلاحیت در تطبیق آن به یك کمیسیون با صلاحیت ملی.

- تثبیت مصارف ساختمانی ساحات ویران شده و تعیین یك ساحه (ویران شده) به صورت نمونه و سمپل.

- بررسی و ارزیابی نفوس شهری قبل از سال ۱۳۷۱ و بعد از سال ۱۳۷۶ بخصوص در ساحات جنگ زده شهر.

- تهیه مواد خام تعمیراتی ازکشور هایکه در بدل پول

و یا طور امداد میتوانند مواد مورد نیاز تعمیراتی را با آلات وافزار ساختمانی آن در اختیار دولت میگذارند.

- خط السیر ترافیك شهری جداً قابل تجدید نظر می باشد تا باعث آرامش همشهریان در امور روزمره شده بتواند.

- ساحات سبز و اطراف جاده ها با غرس مجدد اشجار زینت داده شود و پلان کمربند سبز در اطراف شهر عملی گردد.

- ساحات خود سر باید تخریب و مطابق ماستر پلان اعمار مجدد شهر عملی گردد.

- ای هموطن!

ای برادر! غرور ملی تو بود که افغانستان را آزاد ساخت و در طول تاریخ امتحانی از مردانگی، شجاعت و آزاد منشی داده یی.

اما بیائید که قضاوت نمائیم و به جرئت اعتراف کنیم که این من و تو بودیم که کابل و سایر شهرهای وطن را به ویرانه مبدل ساختیم و تخریب کردیم.

آیا این ویرانی و نفاق را تا کی ادامه دهیم و وطن را از ریشه و بنیاد تباه کنیم.!

بیا که دست برادری و اتحاد را با یك دیگر بدهیم و در عمران مجدد کشور سهم بگیریم از نفاق و ویرانی ما دیگران بهره می برند، پس چرا مضحکه دیگران باشیم.

تو برادر من و من برادر تو هستم، خانه، فرهنگ، وطن و منافع ملی ما مشترك است، ما برادران هموطن و برادران مسلمان یدیگر هستیم (انما المؤمنون اخوة...) که جای هیچ سوالی را در میان نمیگذارد، پس حق مادر وطن را به حیث یك فرزند صالح باید ادا کنیم.

بیائید که بصراحت اذعان نمائیم که ما به این وطن چه کرده ایم.

"نه پرسید که وطن به شما چه می تواند
به پرسید که ما به وطن چه می توانیم"

Ask not what country can do for you,
Ask what you can do for your country
J.F.K

فهرست مآخذ

- حبیبی، عبد الحی، بالاحصار کابل، مجله پوهنتون کابل، ۱۳۴۸.
- رهین، رسول، شهر کابل، مجله جغرافیه، پوهنتون کابل، ۱۳۴۸.
- عارض، غلام جیلانی، جغرافیه شهری، پوهنتون کابل، ۱۳۶۱.
- عارض، غلام جیلانی، شهر کابل، مجله جغرافیه، پوهنتون کابل، ۱۳۴۴.
- عارض، غلام جیلانی، کابل مجله، (متن انگلیسی) پوهنتون کابل، ۱۳۵۴.
- غرغشت، رهنمای کابل، مطبعه کابل، ۱۳۵۰.
- فاولر، ل، گری، سکونت در شهر، ژورنال جغرافیه، جلد، ۷۱، نمبر ۵، ۱۹۷۲.
- سالنامۀ احصائیه مرکزی، نفوس نواحی شهر، کابل، ۱۳۵۸.
- سالنامۀ احصائیه مرکزی، نفوس نواحی شهر، کابل، ۱۳۵۹.
- مشاهده، مستقیم نواحی شهر کابل، ۱۳۷۵ توسط مؤلف.
- ورکشاپ، طرح پالیسی ملی مسکن در افغانستان، کابل (۲٦ - ۲۸سنبله) ۱۳٦۹.

II. In external and international scale:

- Contact with U.N's related branches for a large scale donation in this respect.

- Contact with developed countries e.g. U.S.A, E.U, Japan, Canada and others.

- Contact with Islamic and Gulf countries to provide fund for renovation of Kabul. Thus through this booklet I propose to all mentioned sources that from philanthropic point of view. Please help our Kabul city and our nation as well.

Prof. Gh. J. Arez.

Kabul of tomorrow

(with its unclear future)

This part deals with the future of kabul. There are some suggestions and proposals that how and in what circumstances Kabul of tomorrow can be rehabilitated and its renovation can be manipulated by experts.

There are two essential solutions in this regard:

I. In nation wide internal level:

- Restoration of peace through out the country.
- Establishment of a stable and over-all acceptable government.
- Parliamentary control on the governmental activities.
- Repatriation of scholars, merchants and all skillful Afghans who live abroad.
- cooperation of all governmental and private organization for the reconstruction of Kabul and Afghanistan.
- Extension of academic institutions.
- Applying all procedures of urbanism on the basis of a well designed master plan.

and all urban net works were exported to neighboring countries, At present Kabul is ghost town where a few number of population is walking around but no smile on their lips, all kind of poverty is imposing on them and no one hearing their voiceless cries.

Kabul of today

In this chapter you can find a bird eye view and a general panorama of disastrous and frustrated events which were imposed by soviet and Sovietests whilst the influence of communism was dominant in Kabul (1978 - 1991).

Islamic groups were struggling for the liberation of Afghanistan as a whole. But internal wars were concentrated in Kabul. Many times Kabul was under the shower of rockets. Afghan Islamic Revolutionaries were successful to retreat USSR red troops and with draw them from the country and step by step they proceeded toward Kabul. As a result kabul and Afghanistan liberated from the yoke of Soviet Union and their relevant communistic trends.

When ever Islamic groups arrived in Kabul, unfortunately instead of joint work and unified action they struggled for power and they destroyed Kabul and changed it to a pile of ashes and nothing were left in the city. The ground of Kabul was furnished with a crust of semi fire and semi-ashes with surreal political atmosphere. The entire infrastructure of Kabul were removed to abroad and as a result the whole city was evacuated from its original entities. Academic and educational centers were destroyed

procedures in the university level. On the basis of Humanitarian rights women were allowed to work in official offices, which was sign of a brilliant cultural evidence.

Urbanism with its all facilities were implemented. Transportation, electricity, commercial, communication, water supply and marketing promoted to a higher profile than before.

Diplomatic centers and embassies manifested a political prestige to the Kabul city.



Summary

Kabul (of yesterday)

This chapter is dealing with the past and historical merits of Kabul through which one can examine the historical and political significance, strategic and commercial values of the city. Kabul was a focal point in the central Asia where Kabul Shahan ruled the whole parts of this region. The importance of its central location endowed it superiority in the past history of Asia. Kabul was an important link between North-South and East-West commercial routes and due to this fact kabul possessed a great strategic importance among neighboring countries.

Balahisar as an important citadel and fortress encircled the whole city with great walls which was extremely valuable for the defence of the city.

Kabul city developed in 20th century as an industrial metropolitan having all kinds of urban facilities based on socio-economic and technology. Education was highly developed and coeducation was going on with its normal



About the Author

- Prof. Gh. Jailani Arez is born in Kabul.
- Received his B.A. from Kabul University, 1960.
- M.A. from Colorado State University U.S.A. 1966.
- Full bright scholar and Ph.D Candidate in the University of Arizona U.S. A. 1972.
- Full Professor in Kabul University since 1975.
- Author of more than 12 text books for faculty of Geo-Science, Kabul University.
- Author of more than 200 articles (Dari, Pashtu and English).
- Participation in International conferences -
  . Cartography in India 1967.
  . South East Asia comparative social research, India, 1967.
  . Firdausi, Silk Route, Koshan Empire, Albiruni in Kabul.
  . Islamic Geographers in Riadh, Saudi, Arabia.
  . Science and technology in Tehran Iran.
  . Executive conference in Aspen Colorado U.S.A.
  . Communication in Michigan University, U.S.A.
  . Foreign Policy in Washington D.C. U.S.A.
  . Oriental Countries in Chicago U.S.A.
  . Pak Geographer conference in Peshawar University.
  . Higher Education, in Berlin Germany.

- Career (1966 - 1995):
  . Head of the Institute of Geography.
  . Editor of Geographical Magazine.
  . Dean of Faculty of Geo-Science for two terms.
  . Vice President of Kabul University for two terms.

KABUL

YESTARDAY TODAY AND ITS UNCLEAR FUTURE

By: Prof. Ghulam Jailani Arez

1998